

جوانان کمونیست ۱۱۹

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۱۸ آذر ۱۳۸۲

۹ دسامبر ۲۰۰۳

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



امروز!



بهرام مدرسی

رژیم اسلامی سعی کرد که امروز ۱۶ آذر را فعلا به سلامت از سر بگذراند. سعی کردند که حکومت نظامی غیر رسمی را در تمام خیابانهای اطراف دانشگاههای کل کشور اعلام کنند. تلاش کردند که چماق را رسماً دست همکارانشان در انجمنهای اسلامی بدهند تا در همان محیط دانشگاه جلوی دانشجویان آزادیخواه را بگیرند. سعی کردند که دوباره لشکر قدیم پاسدارها و تازه قلمزن را به راه اندازند که در سالنها در بسته، اندرفواید این روز و شاهان اهوراییاش سخن فرمایی کنند. میخواستند که هرطور شده این روز را به سلامت از سر بگذرانند. اینها اما غافل از یک تحرک و یک شور دیگر بودند. تحرکی که پرچمش را اعتراضات ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر به دست داشت. تحرک و شوری که همشان امروز با نابوری شاهد آن بودند. از اعضای انجمنهای اسلامی که سعی کردند با فحش و حمله جلوی دانشجویان را بگیرند که در مقابل تعرض دانشجویان آزادیخواه و مبارز مجبور به فرار شدند، از خبرنگاران صدا و سیما رژیم اسلامی که مجبور شدند واقعیات این روز را با شعارها و پلاکاردهایش گزارش کنند، چرا که شعار و پلاکارد دیگری در کار نبود! تا خبرنگاران شرافتمند بی‌بی‌سی، از وابستگان به جبهه وارفته دوم خرداد تا خدمتگزاران همیشگی پارکاه رژیم اسلامی اکثریتی و تودهای ها از ناسیونالیستهای سلطنت طلب تا دلباختگان فراندنم و به خانه فرستادن مردم، همه و همه شاهد شعارهای این روز بودند.

- آزادی، برابری!

- جنبش دانشجویی از اعتصابات کارگران پتروشیمی حمایت میکند!

آزادی و برابری: از سر بپند تا پلاکارد!

وقتی سال پیش شعار «آزادی و برابری» در سرپند دانشجویان ظاهر شد، خیلی ها فکر کردند یک اتفاق است. حتی سلطنت طلب و ملی مذهبی ها هم عکس مشهور دختری

و عزاداران حکومت اسلام!

این خانم محجبه که همواره به دوستی و همگامی و همکاری اش با رژیم اسلامی و با آخوندهای گریانی نظیر خاتمی افتخار کرده است، حالا قرار است به اسلو برود، حجاب از سر بگیرد، کمی آرایش کند و به نمایندگی از آن دختران و پسرانی که با جسارت شگفت انگیزی شعار آزادی و برابری و اعتصاب کارگران پتروشیمی را بالا بردند، جایزه «زن مسلمان» بودنش را دریافت کند! قرار است ایشان به جهانیان اعلام کند که مردم ایران مسلمانند و میخواهند مسلمان باقی بمانند و این کند رژیم اسلامی را حالا حالا تحمل کنند!

ما به خانم عبادی و کمیته صلح نوئل و اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی اطمینان میدهم، که این

- جنبش دانشجویی از مبارزات کارگران حمایت میکند!

- آزادی زندانی سیاسی!
این روز نشان داد که سرها به کدام طرف چرخیدند. که نگاهها به چه چیز



صفحه ۲ مراجعه کنید). اما بالا بردن شعار آزادی و برابری و حمایت از اعتصابات کارگری در ۱۶ آذر امسال نشان داد که حکمت راست گفته بود که دانشگاه محل رشد کمونیسم است. آنهم کمونیسمی که در همین ۱۶ آذر نشان داد پیگیرترین و مصمم ترین نیرو برای سرنگونی رژیم اسلامی و تحقق بخشیدن به رنسانس عظیم اجتماعی و انسانی در ایران است که چشم جهان را خیره خواهد کرد.



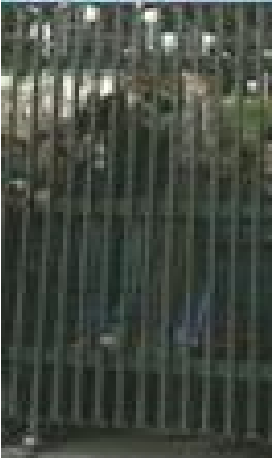
**خانم عبادی هنگام دریافت یک جایزه دیگر! زیر پرچم سه رنگ الله اکبر!
کنار حجت الاسلام کلدیور (سمت راست در حال اشک ریزی!)**

مضحکه از آخرین نمونه ها خواهد بود. بزودی آزادی و برابری ای که دانشجویان تهرانی در مقابل سفاکترین رژیم عالم پرچم اش را بلند کردند، در سراسر جهان طنین خواهد افکند. بزودی دوره بلرها و بوش ها و شارون

خیره شداند!
امروز اگر امکان بریایی تظاهراتی بزرگ نبود، این به چه چرخیدن سرها و نگاهها، جنبش آزادیخواهی، جنبش سرنگونی رژیم اسلامی و جنبش تلاش

برای ایجاد جهانی آزاد و برابر را قدمهای بسیار بزرگی به جلو برد.

بهرام مدرسی
دبیر سازمان جوانان کمونیست
۱۶ آذر ۱۳۸۲



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شریک شادی به کنگره ۴ حزب کمونیست کارگری نرسی یگانه از ایران

دوستان و رفقای گرمی

یک سال از آشنایی من با جریان کمونیسم کارگری و حزب می گذرد. امروز خوشحالم که فرصتی دست داده تا یک جمع بندی کلی داشته باشم و باهم در این شادی شریک شوم که سایه کمونیسم هر روز بر مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران گسترده تر می شود. طی یک سال گذشته با افول جبهه اصلاحات و خلا ناشی از شکست آن، فضا را هر چه بیشتر رادیکالیزه کرده و آلترناتیو دیگری را به جلو صحنه کشانده است: انقلاب مردمی و برقراری یک جامعه انسانی و برابر و بدون تعلقات مذهبی و عقیدتی به خواست عمده مردم و کارگران زحمتکش تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری باید در راس این جبهه قرار بگیرد و نماینده تمام عیار تمامی جوانان، زنان و مردان آزادیخواه و سکولار و برابری طلب باشد. رفقای گرمی برای رسیدن به این هدف باید

حزب را هرچه بیشتر در دسترس مردم قرار داد. افتتاح تلویزیون کانال جدید یک رویداد مهم تاریخی است و مطمئنم به تریبون واقعی مردم و رسانه های مستقل، آگاه کننده و متمایز تبدیل خواهد شد. تمام اینها میسر نیست مگر با تلاش مستمر ما برای شناساندن هرچه بیشتر این آلترناتیو انسانی در فضای تبلیغی رسانه های جانبدار و مغرض بورژوازی.

امروز حزب به یک وزنه مهم در معادلات سیاسی ایران تبدیل شده و تاثیر انکار ناپذیر آن در راس جبهه مترقی کارگری سبب باطل کردن نمایش خیمه شب بازی حافظان و طرفداران رژیم شده است. وقتی جبهه مشارکت ایران اسلامی در کنگره خود اعلام می کند که پیش از آنکه بخواهد یک حزب اسلامی باشد می خواهد یک «حزب انسانی» باشد: نشان دهنده محبوبیت و تاثیر فزاینده پلتفرم سیاسی حزب است که از همان اول بدون ریاکاری نوید دهنده ارزشهای انسانی و یک دیدی بهتر بود و هست و خواهد بود. به امید پیروزی و رهایی نهایی.

**زنده باد منصور حکمت.
مرگ بر جمهوری خون و
حقتان اسلامی!**
نرسی یگانه

این انتزاعیات فلسفی نیست! این جنبش مارکس است! ۱۶ آذر: چند ارزیابی

آرش حمیدی ایران

۱۶ آذر امسال وقتی پرچم های سرخ با شعار آزادی و برابری به بالای دست دانشجویان رفت و پلاکاردهای حمایت از کارگران پتروشیمی به چشم آمد، تمام ایده های فیلسوفان، پرفسورها و جامعه شناسان جنبش اصلاح طلبی گویا دود شد و به هوا رفت. می توانستی چهره های روشنفکران اصلاح طلب را به خاطر بیابری که چگونه سرها را به پایین انداخته اند و حتی جسارت دیدن چنین صحنه هایی را ندارند. ۶ سال بود که در نفی انقلاب به عنوان «راه خشن و غیر عقلانی» فلسفه بافی میکردند و سالها بود که در هر مقاله ای که می نوشتند برای ثواب آخرب فحش و بد و بیراهی نصیب مارکس و کمونیسم میکردند. ۶ سال بود که از اسلام معتدل و روشنفکری دینی به عنوان راه نجات مردم دفاع میکردند و ۶ سال بود که گفتارهای فلسفه قرن ۱۸ را در باب جامعه مدنی نشخوار میکردند. حالا تمام این زحمات نقش بر آب شده است. حالا فقط میتوانند حضور آزادی و برابری را در صحن دانشگاه نادیده

برابری بود. شعارهای رادیکال، پلاکاردهایی در حمایت از کارگران پتروشیمی و آزادی، برابری همگی نشانی بودند از قدرت و درایت دانشجویان در این روز. پرتیراژترین روزنامه سراسری دانمارک صبح دوشنبه عکس پلاکارد سرخ رنگ آزادی برابری همراه با داستانی که زنجیرها را پاره می کنند را در قسمت مهمترین اخبار خود قرار داده دانشجویان دانشگاه تهران امسال سیاسی ترین ۱۶ آذر را به نمایش گذاشتند مدتی است که رژیم تلاش می کند در هنگام تظاهرات دانشجویی با زور اتوبوسهای شرکت واحد و نیروهای ضد شورش همراه با خواهش و تمنا اجازه ندهد مردم بیرون از دانشگاه به دانشجویان پیوندند. و هر بار هم کار به خیابانها می کشد. اینبار هم میدان انقلاب شاهد درگیریهای پراکنده بین مردم و نیروهای سرویکر بود، اما دانشجویان تهران اینبار قبل از اینکه وارد درگیری شوند ضربه مهلک خود را با شعارها و پلاکاردهایشان به جمهوری اسلامی زده بودند...

بگیرند و خود را به آن راه بزنند. روزنامه شرق ترجیح میدهد به جای انعکاس اخبار آنطور که بوده، از تقابل انجمن اسلامی و بسیج بنویسد و نامه سروش این روشنفکر دوستدار پوپر و مولوی و موسس انقلاب فرهنگی به دانشجویان را چاپ کند. اما خودشان هم میدانند که با سرزیر برف کردن کاری دست نمی شود. کارگران پتروشیمی که به میدان بیایند دانشجویان هم بیشتر به سمت چپ گردش میکنند. خودشان هم میدانند که این جنبش از جنس انتزاعیات فلسفی نیست که آنها بلغور میکنند. این جنبش کمونیسم و مارکس است که حضور عینی در جامعه دارد و مطالبات میلیونها انسان را نمایندگی میکند.

نسیم رهنما دانمارک

پلاکاردهای بزرگ قرمز با شعار آزادی و برابری مشت محکمی نه تنها به دهان سردمداران حکومت اسلامی و اصلاح طلبان که جواب محکمی به اپوزیسیون دست راستی بوده از سلطنت طلبان گرفته تا مجاهدین هیچ کدام کلمه ای در مورد این روز نگفته بودند! سازمان جوانان کمونیست اما فعلا نه فراخوان میداد و پرچمدار مبارزه جوانان، دانشجویان، مردم آزادیخواه ایران بوده یکی از نکات مهم و جالب این تظاهرات ها شعار «عبادی عبادی، نوکر اصلاحاتی» بود که از سوی

مسلمانان حزب الهی با دست داشتن عکس بی حجاب زینب در پاریس او را لعن و نفرین کردند. عبادی کمونیستها را به مسلمانی خویش شاهد میگرد! (بیبیتید که دخالت این کمونیستهای کافر در کار خدا و صدور شناسنامه مسلمانی به کجا رسیده است! زبانم لال دیگر به جای اشهدا ان لا اله الا الله باید گفت: حزب کمونیست کارگری ما را قبول ندارد و ما هم آنها را!) عبادی با این تظلم خواهی قصد رخنه در دل نازک رهبر سیاسی-مذهبی جهان اسلام دارد. عبادی بیچاره مثل هر اصلاح طلب اصیل دست آخر باید تایید رهبر را بگیرد. عبادی زینب وار مصیبت از دست رفتن موقعیتهای طلایی اصلاح و حفظ رژیم را زیر لب میخواند و برای شهادی مجلس هفتم شام غریبان براه انداخته است. قافله بازماندگان دوردادی وی را تا بارگاه نوبل در اسلو همراهی خواهند کرد و ما شاهد آخرین خطابه زینب در سوگ سالار شهیدان خاتمی گریان خواهیم بود.

مردم آزاده و برابری طلب همگام با ما کمونیستهای کارگری با حضور اعتراضی خود در اسلو به جهانیان نشان خواهیم داد، رژیم اسلامی زشتخوتر و

جنایتکارتر از آن است که به همت نوبل و نوحه سرائی عبادی بزرگ شود و در بسته بندی جدید بخورد بشریت داده شود. به همراهان زینب، به همه زینب العابدینهای بیمار توصیه میکنیم، شترهایشان را در اسلو ببندند و همانجا تقاضای پناهندگی کنند. زیرا که تظاهرات ۱۶ آذر خبر از فرارسیدن موعد دفن رژیم متعفنشان آورد.

بی بی سی و بی بی شرافت!

جناب مسعود بهنود معرف حضورتان هست. قلمفرسائیهای ایشان در خدمت بی بی سی اجرش در این دنیا با ملکه و در آخرت با خاندان عصمت و طهارت باد. مخبر بی بی سی در سال ۵۷ در بغداد جلوی دهان خمینی گرفت و پرسید: شما بعنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران در مورد وقایع اخیر چه نظری دارید؟! که با این به اصطلاح سوال، اولاً انقلاب مردم را در جیب ارتجاع اسلامی کرد و ثانیاً خمینی را برهبری آن برگزید. باری، ۱۶ آذر امسال، بویژه با شعارهای کلیدی (آزادی، برابری - ما از اعتصاب کارگران حمایت میکنیم و غیره) مهر و نشان



نسیم رهنما

دانشجویان داده می شد. این نشان می دهد که مردم از عبادی هم همچون اصلاحات گذر کردند و شیرین عبادی هم نمی تواند برای این رژیم وقت بخرد! شعار جالب دیگر هم شعار «فرانوم دروغ است، نشانه سکوت است» بود.

دیروز ۸ دسامبر (۱۷ آذر) روزنامه مترو اسپرس همراه با عکسی که در آن پلاکارد بزرگ آزادی و برابری دیده میشود نوشت که: دانشجویان ایرانی در تظاهرات دیروز در دانشگاه تهران خواهان استعفای خاتمی شدند و همچنین بر علیه رهبر حکومت شعار می دادند و خواهان بایکوت کردن انتخابات مجلس در ماه فوریه شدند.

در همین جا این پیروزی را به همه شما تبریک میگویم و میخواهم به حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست پیوندید.

چپ و کارگر را بر خود داشت. علاوه بر رژیم و شاخکهای اطلاعاتی اش که مدتهاست از این روند غیرقابل کنترل هراسان شده، عکسهای ایسنا بی بی سی را نیز به وحشت انداخته، چاره را کنترل خسارت میبینند و قلم یاهو سرای بهنود را به مدد میطلبند.

جناب بهنود از تاریخچه ۱۶ آذر جزئیات شروع میکند (سفر نیکسون و غیره) به سفارت گیری گریز میزند و پس از انبوهی صغری و کبری کردن در مورد این «روز تاریخی»، شرح واقعه اصلی و روز را فاکتور میگیرد و در همان صفحه اینترنتی بی بی سی با گذاردن عکسی از جلوی درب دانشگاه تهران در یک روز معمولی که چند زن محجبه را در حال ورود نشان میدهد، در مورد ۱۶ آذر رفع حاجت میکند. آقایان مؤده که دوره تحریف تاریخ در مورد ایران برایتان بسر آمده و این به یمن گسترش حضور کمونیسم کارگری و حزیب در وسط میدان سیاست میباشد. دیگر برای شما نزد کسی که ذره ای به حقیقت احترام بگذارد، آبرویی نمانده است. متأسفانه در این باتلاق بیشتر فرو خواهید رفت!

تبلیغات ضد عرب ممنوع!

«اعراب» نظیر «ایرانیان» قربانیان اسلام اند!

مصطفی صابر

میدهد بسیار متفی و عقب مانده است. چرا چنین تبلیغات نژاد پرستانه، شرم آور، تفرقه افکنانه و ضد انسانی میتواند صورت بگیرد؟ چند تحریف بزرگ این لایلا هست که قبل از هر چیز باید اینها را نشان داد.

جنگ قبایل یا

تقابل ایرانی و عرب!

مثل هر تبلیغ ناسیونالیستی، در این حدیث هم ما با جعل و تحریف تاریخ رویو هستیم. آن «عرب» ی که در این حدیث آمده است با آنچه که امروز به نام اعراب و کشورهای عربی مشهور است فرق دارد. آن «ایرانی» که در این حدیث آمده است با ایرانیانی که ما امروز میشناسیم فرق دارد. و آنچه که علی، این شمشیر زن قبیله قریش، دارد میگوید با تفسیری که ناسیونالیست امروز ما دارد میکند، نیز فرق دارد.

عرب و اعرابی که در حدیث آمده است اشاره به قبایل آمنوقه شبه جزیره عربستان دارد که ظاهراً قبیله قریش به رهبری محمد آنها را زیر بیرق اسلام متحد کرده است. همانموقه که علی داشت این رجزخوانیهای خونخوارانه دوره بربریت را میکرد، برای مثال مردم مصر و فینیقیه (لبنان امروز) در مراحل پیشرفته تری از تکامل تاریخی قرار داشتند و بهر حال خودشان را با قبایل و پادشاهان و زبان و رسومات دیگری تعریف میکردند تا با «هویت عربی»، زبان عربی ظاهراً بعد از لشکرکشی های اسلام است که در بخش اعظم خاورمیانه و شمال آفریقا رفته رفته رواج پیدا میکند. ملیت عربی و ظهور کشورهای مختلف عربی و «هویت عربی» که امروز میشناسیم بیش از هر چیز محصول پروسه ملت سازی بورژوازی و ناسیونالیسم عربی و پان عربیسم در یکی دو قرن گذشته است. خلاصه کلام، آن عربی که در حدیث آمده است ربطی به عرب امروز ندارد و اشاره به قبایل عرب شبه جزیره عربستان دارد و بس.

ایرانی ای هم بمعنی که من و شما میفهمیم در کار نیست! اولاً در متن عربی حدیث که «پیام پیام» ارسال کرده اند هرچه جستجو کردیم لغت «ایرانی» ندیدیم. (من عربی بلد نیستم اما میتوانم خط آنرا بخوانم! ایکاش میدانستم تا میتوانستم ترجمه مستقلی از آن بدست دهم). لغتی که آمده است «عجم» است نه ایرانی. و باز تا آنجا که میدانم عجم نزد همان قبایل عرب شبه جزیره عربستان به معنای «غیر عرب» و «بیگانه» از جمله «ایرانی» ها بوده است. (فرهنگ عمید: عجم: غیر عرب، اعم از ایرانی و ترک و اروپایی. کشور ایران هم

میگویند). ثانیاً «ایرانی» ها در زمان حمله اعراب، مثل خود اعراب ساکن شبه جزیره عربستان بیشتر خودشان را با قبیله و ایل و خان و سلطان و پادشاه خود میشناختند، تا «هویت ایرانی». همانطور که «هویت عربی» و «ملل عرب» جدید است، ایرانی و ملت ایران بمفهومی که ما میشناسیم، موضوعی است که کمی قبل از انقلاب مشروطیت و توسط روشنفکران تحصیلکرده در غرب مطرح میشود. پس تقابل بین ایرانی و عربی که حدیث مذکور سعی میکند القاء کند، واقعیت تاریخی ندارد. در واقع آنچه اتفاق افتاده جنگ اتحادیه قبایل ساکن شبه جزیره عرب با «دشمنان» یا قبایل و پادشاهی های همسایه شان بوده است. این جنگ بهمان اندازه که در حدیث فوق می بینیم و مثل همه جنگ های دنیای باستان برای کشورگشایی، به برده کشیدن قبایل و ساکنین سرزمین های مجاور (مثلاً لشکر کشی خشایار شاه به یونان؟ جنگ های شاپور ملقب به «ذوالکفایت» که گویا به سبب رد کردن ریسمان از کتف سوارخ شده بردگان جنگی به او داده شده بود!؟)، وحشی، بیرحم، و ضد بشری بوده است. فعلاً این بماند که بنظر میرسد حتی در آزمان مناسبات طبقاتی بدان حد شکل گرفته

بوده است که آدم زحمتکش در این جنگ ها بهر حال بازنده بوده است. از یکطرف (در حالت پیروزی) یا سرباز اجباری و «گوشت دم توپ» روسای قبائل و شاهان و شیوخ زمان خود بوده اند (یادمان نرود که خیلی قبایل عرب هم با جنگ و خونریزی و ترور و کشتار محمد و اتحاد قبائلش و با همین شمشیر علی «اسلام آورد»!)؛ و یا از طرف دیگر (در حالت شکست)، به بردگی و چپاول و تجاوز و غارت میرفته اند. یعنی حتی تقسیم بندی خودی و غیر خودی، عرب و عجم و غیره که محتوای اصلی سخنان علی ابن ابی طالب در این حدیث است، نه یک پدیده واقعی که منفعت طبقات قابل وقت بوده است. اما در آوردن تقابل «عرب» و «ایرانی» از آن حدیث و تبلیغ آن در زمان ما دیگر جز شگرد پوسیده ناسیونالیسم و تاریخ تراشی و ایضا «دشمن تاریخی»، تراشی، چیزی نیست.

اندر فواید یک حدیث!

حکمت عملی و فایده امروزی این تحریف اینست که مردم از اسلام متنفرند ولی ناسیونالیسم ایرانی زیرکانه این خشم نفرت را بطرف عرب و اعراب منحرف میکند. با این کار ناسیونالیسم چند کار را با هم انجام میدهد:

اول از همه میخ خود را بر پایه تبلیغ احساسات عقب مانده و شایسته عصر بربریت میکوبد. مردمی که به چنین داستانهای دروغینی باور کنند مثل کسانی که به اسلام و خدا باور دارند، پایه وردگی خود امضاء گذارده اند. همیشه میتوان چنین مردمی را با غلبان احساسات در مورد «ملت

منحصر به فرد ما» (حالا میخواهد «قوم برگزیده» اسرائیل باشد، «ملت آزابخش» آمریکا باشد، یا ساکنین «مرز پر گهر») به مسلخ برد. از سوی دیگر، اینگونه تبلیغات خوراک خوبی برای ناسیونالیسم قومی عرب فراهم میکند. بعنوان یک مثال، کارگر عرب زیان در خوزستان که هرروز زیر فشار تبلیغات «علی» وار رئیس قبیله، ملا و روشنفکر ناسیونالیست «خودی» در مورد اختلاف و ضدیت «عجم و عرب» قرار دارد، از این حدیث «پیام پیام» ما تماماً به تبلیغات ناسیونالیسم خودی باور پیدا خواهد کرد. اگر کمونیستی دور و بر او نباشد و موضوع را توضیح ندهد، او نفرت عمیقی بدل خواهد گرفت. چونکه پیام آقا یا خانم «پیام پیام» به او اعلام جنگ ملی است و بس. او در این پیام ادامه ستم ملی چندین و چند ساله «عجم ها» را می بیند. روشن است که چنین تبلیغاتی عملاً میکوشد تلاشهای بشریت زحمتکش و کارگر برای رهایی را با پاشیدن بذر نفاق و تفرقه و دشمنی قومی و ملی به شکست بکشاند.

دوم اینکه ناسیونالیسم اتفاقا اسلام عزیز را از زیر تیغ تیز حمله و نفرت مردم در میرسد. ظاهراً خود اسلام از طرف خداوند باری تعالی آمده است و گویا مشکل «اعراب وحشی» است. (با عرض معذرت از نقل این عبارت زشت!) ناسیونالیسم روابط حسنه ای با مذهب دارد. بالاخره «ملت» باید خدا داشته باشد، «هویت دینی» میخواهد و یا دستکم به نوعی باری تعالی و «اخلاقیات» ناشی از آن احترام بگذارد. (حتی ناسیونالیسم لائیک که پایه اصلی انواع کمونیسم بورژوازی، روسی و چینی و غیره است با مذهب مماشات کرده و آترا حفظ میکند). ناسیونالیسمی که بخواهد تفسیر مادی و سیاسی درستی از مذهب بدهد، عملاً زیر آب خود ناسیونالیسم را هم میزند. چرا که هسته اصلی ناسیونالیسم یعنی خود مفهوم ملت و میهن، مثل «سیرمغ و خدا» قابل توضیح نیست و فقط باید «آترا (با چشم دل) دید و پذیرفت. (به «ملت»، ناسیونالیسم و برنامه کمونیستی) اثر حکمت رجوع کنید. ناسیونالیسم ایرانی نه فقط از این قاعده مستثنی نیست، بلکه انواع و اقسام آن، از ناسیونالیسم توده ای و راه کارگری گرفته تا ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی، همه به اسلام و خدا و قرآن و دین که میرسد به انحاء گوناگون جانمازهایشان را فوراً پهن میکنند. سوم و مهمتر از همه، ناسیونالیسم با نمونه حدیث فوق و راه انداختن جنگ عرب و ایرانی، میکوشد پایه مادی و واقعی بقاء و میداننداری اسلام در عصر ما، یعنی سرمایه داری و مناسبات اجتماعی حاکم، را لاپوشانی کند. کلا عروج اسلام سیاسی در ایران و سپس دیگر کشورهای اسلام زده، پدیده ای که است در آخر قرن بیستم شاهد آن بودیم، و بورژوازی با «عراقی» دشمنی میکنند!

ای هاشمی عراقی!

متاسفانه تبلیغات ناسیونالیستی و ضد انسانی که حدیث فوق یک نمونه آنست اینجا و آنجا دیده میشود. حتی کسانی که خود را «مبارز» و چپ میدانند، بنظر میرسد در مقابل اینگونه تبلیغات ناسیونالیستی حساس نیستند. برای مثال در همین هفته گذشته اعلامیه ای از «دانشجویان مبارز مشهد» دیدم که در آن شعار های مجموعاً خوبی برای ۱۶ آذر پیشنهاد شده بود ولی در همانحال چندین بار بر شعار «هاشمی عراقی» چنین و چنان است، تاکید شده بود. منظور البته آخوند جنایتکار در راس قوه قضاییه است. ولی همه ما میدانیم که یک تبلیغ دوم خردادی ها علیه او این بود که ایشان ایرانی نیست، آخو ناسیونالیسم ایرانی و خصلت ضد عربی آن دارد. همچنین دارد از دشمنی قومی و ملی که جنگ هشت ساله جمهوری اسلامی و صدام حسین دامن زده است، برداشت میکنند! هرکس که کمی با اوضاع ایران آشنا باشد بلافاصله باید بفهمد که طرح شعار «هاشمی عراقی» بجای مثلاً هاشمی جلال، هاشمی داروغه اسلام، هاشمی جانی و نظیر این، افتادن به دام همین تبلیغات ناسیونالیستی است. کافی است تصور کنیم یک آدم عادی در عراق این شعار را بخواند و بشنود. او بسیار تعجب خواهد کرد. در میماند که راجع به محتوای سیاسی حرکت شعار دهندگان چه بگوید. این البته در بهترین حالت است وگرنه روی ترش خواهد کرد و خواهد گفت که معلوم نیست اینها چرا این وسط با «عراقی» دشمنی میکنند!

تاریخ یک بیماری

حامد راد از ایران

مسئله دین و مذهب و خدا همیشه و همه جا مانعی بوده است که به وسیله آن سعی شده کمونیسم را محکوم کنند، توضیح بخواهند و اشکال تراشی کنند. مسئله کمونیسم با مذهب و خدا از پدر کشتگی داشتن با آن نیست. بلکه کلیت آن را قبول ندارد و این فرضیه را همواره رد کرده است. در اینجا سعی شده با استناد به نوشته ها و کتاب های برخی از نویسندگان و دانشمندان مروری داشته باشیم بر چگونگی زاییده شدن مذهب و یک نیروی برتر خیالی یعنی «خدا».

ریشه های پیدایش دین و مذهب

انسان، اورگانیزم هوشمند و پویایی که موفق شده است بر ساز و کارهای طبیعت چیره شده و آنها در خدمت خود در آورد، شوریختانه پیوسته قربانی فریب و نیرنگ هموعان خود و وسیله بهره دهی به آنها شده است. بسیاری از «نام آوران تاریخ» بشر برای کسب قدرت

و فرمانروایی بر سایر هموعان خویش با نیروی شمشیر و نبرد آشکار، زندگی خود را در پروا قرار داده یا با نیروی فیزیکی موفق شده اند بر سایر حریفان قدرت طلب خویش پیروز شده و آنها را زیر یوغ فرمانروایی خود در آورند، و یا در این راه جان باخته اند! ولی برخی از افراد بشر برای کسب قدرت و فرمانروایی بر هموعان خود، به اختراع پاره ای نیروهای متافیزیکی مرموز و خیالی که به قول خودشان بر جهان هستی فرمانروایی دارند پرداخته و به عنوان اینکه نیرو های یاد شده آنها را برگزیده اند تا رهبری و ارشاد افراد بشر را به عهده گیرند، به سادگی و با نیرنگ مغزهای افراد هموع خود را تسخیر کرده و به آسانی بر آنها فرمانروای نموده اند.

مذهب نوعی بیماری واگیر دار است که توسط پدر و مادر به فرزندانسان سرایت می کند.

اما دین و مذهب چگونه پدید آمد؟ پس از آنکه دانشمندان انسان شناس سده نوزدهم و پژوهشگران آغاز سده بیستم برای کشف ریشه

های دین و مذهب به تئوریهای بیولوژی پدیده تکامل که به وسیله چارلز داروین نوآوری شده بود (که در آن انسان را نوع تکامل یافته یکی از انواع گوناگون میمونها دانسته است) روی آوردند، و به بررسی آثار نویسندگان باستان مانند هرودوت پرداختند به چند تئوری رسیدند. ۱. تئوری شیخ پرستی (آنی میسم): ادوات بنت تیلر دانشمند بر جسته بریتانیایی در کتابی به نام «فرهنگ بدوی» این طور می نویسد که: افراد بدوی بشر قادر نبودند رویا را از پدیده های راستین زندگی تمیز دهند و فکر می کردند که هیچ کس فانی نخواهد بود و آنها که از این دنیا رخت بر می بندند، به ویژه افراد بر جسته اجتماع، به شکل دیگری به زندگی ادامه می دهند. بر پایه تئوری تیلر افراد بدوی بشر با مشاهده شیخ های مردگان در خواب به این باور رسیدند که روح و شیخ افراد که می میرند، پس از مرگ بدن، به زندگی ادامه می دهند. تیلر به این نتیجه رسید که این افراد عقیده داشتند که نه تنها انسان بلکه کوه، سنگ، آتشفشان، حیوانات، درختها و حتی هوا نیز دارای روح هستند. این روح ها دارای شخصیت بودند و می توانستند برای افراد بشر مفید یا مضر باشند. به این ترتیب افراد بدوی کوشش می کردند با دعا و

ادامه دارد ...

درک نشده است.

از طرفی بی توجهی به اقوام و ملیتها و خلقهای درون ایران و به نادان به خواسته های انسانی و حقوقی و طبیعی آنها، وحدت و یگانگی انقلابی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را کم رنگ کرده و دلبلی مضاعف بر آنچه آمد بر عقب ماندگی و نهادینه نشدن آزادیها و احزاب پیشرو و ترقیخواه شده است.

۳) ریشه و علت مسائل فوق را میتوان بصورت عمده در دو فاکتور اصلی یافت: دین و اقتصاد. چرا که نقش مذهب و خرافات و نقش اقتصاد بیمار تجاری دلالی و غیر تولیدی اساسی و مهم است:

– نظام های طبقاتی و محیط اجتماعی و معنوی اش به همراه مناسبات اقتصادی اش باعث عدم رشد و تکامل و عامل اصلی فساد و تباهی و ظلم و جور و فقر و ستم و استثمار و عقاید خرافی هستند. زیر نفوذ اربابان سرمایه و مذهب بودن باعث شده که فقر و ناتوانی و جهل و خرافات اشاعه یافته و در نتیجه استعدادهای مادی و معنوی و علمی و انسانی رشد نکرده و درجا زده و عقبگرد کند.

– وقتی نظام مبتنی بر غارت و بهره کشی سرمایه داری است، تا استثمار و فقر و فرهنگ منحن سرمایه داری وجود دارد، انسانها از تنگنستی به دزدی و فحشاء و فساد و اعتیاد و حقه بازی و ارزشهای غیر

انسانی و ضد بشری کشانده میشوند. – هرچه فقر و فلاکت و محرومیت اجتماعی بیشتر شود زمینه برای پیشرفت خرافات و افکار ماوراء الطبیعه مساعدتر خواهد شد. و با دور شدن از خرد و عقل و بعثت علم آگاهی های علمی و مذهب زدگی، مذهب پناهگاه میهمان و مجهولات و دور شدن توده ها از واقعیات تلخ موجود شده و موجب تسلی خاطر آنان شده و میشود. این یعنی گفته مارکس که «دین آفیون تودههاست».

۴) لزوم نوعی رنسانس جهت تجدید حیات اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و ضد خرافی همراه با سکولاریسم رادیکال:

– این وظیفه تمامی نیروها، احزاب، سازمانها و رشنفکران مترقی، مبارز، پیشرو، لائیک، سکولار و بخصوص ما کمونیستهای غیر سنتی است (همانطور که حزب کمونیست کارگری واقعا به این وظیفه مهم پی برده و تلاش همه جانبه ای کرده و میکند) که این نوع رنسانس را در ایران اسلامی با حکومت مذهبی و سیاه قرون وسطایی اش و پس از سرنگونی اش هدف قرار داده و به انجام و سامان برسانیم.

از هر راهی که امکان دارد باید به روشنگری پرداخت. باید با توجه به تمامی پیشرفتهای علمی و اجتماعی

صفحه ۱۲

مرگ خلخالی و سکوت رژیم اسد حکمت اصفهان

هفته گذشته خلخالی جلا

در گذشت، نام او برای تمام آزادیخواهان و کمونیستها با اعدام و کشتار رژیم تداغی می شود. خلخالی یکی از بنیان رزم زدن سیاه ترین دوره های تاریخ ایران در ده های پنجاه و شصت است به گفته خود او حدود پانصد حکم اعدام برای مخالفین صادر کرده است، اما آمار واقعی خیلی وحشتناک تر از این ارقام است. فدای پس از سقوط این رژیم کثیف و منحوس است که آمار تکان دهنده این جنایت بر جهانیان آشکار شود و به نوبه خود آشوبسته دیگری را به صفحات تاریخ بیفزاید.

خلخالی مرد ولی پرونده این خونخوار تاریخ و داغی که بر پیکر جنبش آزادی خواهی و شرفیترین و پاکترین انسانهای آن زمان زد همچنان در قلب دردمند ما زنده است. اما جمهوری اسلامی در برابر مرگ او سکوت پیشه کرد. حتی برای یک بار هم که شده تلویزیون جمهوری اسلامی این خبر را از هیچکدام از شبکه های سیما پخش نکرد، چرا؟ اگر جنبش سرنگونی طلبی جمهوری اسلامی را این چنین زیر ضرب نگرفته بود، اگر جنبش ملی اسلامی در قالب اصلاحات شکست مفتضحی نخورده بود، اگر راست پرو غرب در خیابانها این چنین بی آبرو نشده بود، اگر حزب قدرتمندی چون حزب کمونیست کارگری که آینه تمام نمای عمل و خواستهای مردم است این چنین مهر خود را بر تحولات اخیر نکرده و خود را به دروازه های پیروزی در ایران نمی رساند، اکنون جمهوری اسلامی برای خلخالی عزای عمومی به راه می انداخت، مقبره ی دست و پا میگرد، اسم منحوس او را به سر در خیابان ها می گذاشت و حتی روز مرگ او را بر صفحه تقویم می نگاشت. ... آنچنان اوضاع جمهوری اسلامی به هم ریخته است و بر خلاف آن تصویری که میدیای نوکر غرب می دهند چنان موقعیت شکننده ای دارند که دائم در برابر مردم عقب می نشینند و مانند شاه شطرنج به جای دفع کیش فقط فرار می کنند. نتیجه این بازی را مبتلیان شطرنج نیز به خوبی می دانند: کیش و مات در برابر انقلاب مردمی!

این نام ها را بخاطر بسپارید! نوک یک کوه یخ!

این نام ها را بخوانید. ببینید چطور از دانش آموز تریزی، معلم گچسارانی، فیزیکدان مقیم آمریکا، زنان کارگر دارو سازی، تن فروش زندانی تا خوشنام ترین زنان و مردان کمونیست ایران در صفی پر شکوه متحد شده اند. اشتباه نکنید. اینها حزی ها نیستند. شخصاً خیلی حزی ها را میشناسم که اسم شان هنوز اینجا نیست! (و چرا؟) اینها یکصدم مردمی که اگر خبر داشتند و یا سرافشان میرفتیم پای این طومار امضاء میگذاشتند، نیست. باز شخصاً بسیار انسانهای شریف را میشناسم که قاعدتا پای این نامه را امضاء میگذارند و هنوز نامشان اینجا نیست. (در ضمن اسامی بیشتری به دست مهنوش موسوی که ابتکار این طومار را بدست گرفت، رسیده است که منتشر خواهند کرد.) ولی کمی حوصله کنید و علاوه بر متن نامه اعتراضی، اسامی و عناوین امضاء کنندگان را بخوانید تا تصویر ملموسی از جنبشی عظیم بگیرد. این تنها نوک کوه یخ آزادی و برابری است که پیکره عظیم آن زیر آب است و به سرعت به سوی کشتی شکسته رژیم اسلامی میرود. این نام ها را بخاطر بسپارید. آنها تاریخ را خواهند ساخت!

جوانان کمونیست

نامه سرگشاده اعتراضی به کمیته اعطای صلح نوبل!

خانها و آقایان!

بدينوسيله ما امضاء کنندگان این نامه سرگشاده، میخواستیم مراتب اعتراض خود را به بیانیه شما در جریان اعطای جایزه صلح نوبل و پیامی که در این بیانیه به زنان و مردم ایران دارید ابراز کنیم. شما در این بیانیه از واژه شناخته شده «جهان اسلام» سخن میگوئید و مردم ایران و میلیونها زن و مرد در کشورهای اسلام زده را به این جهان منتسب میکنید، کسانی که تنها رابطه آنها با اسلام سیاسی، محکوم شدنشان به زندگی تحت قوانین خشونت بار اسلامی است. قوانینی که سالهاست مردم ایران و این کشورها به آن گردن نگذاشته و علیه آن به اعتراض و مبارزه برخاسته اند.

شما در بیانیه خود دم از عدم تضاد میان اسلام و حقوق بشر میزنید. امیدوار هستیم که این سخنان شما

اسلام سیاسی در عراق و افغانستان و پاکستان و نیجریه و سایر کشورهای اسلام زده، زنان و مردان آزادیخواه، سکولار، مدرن و مترقی را به جرم زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی، کافر قلمداد و محکوم به مرگ و ترور و خشونت میکنند!

از نظر ما تقسیم اسلام به بد و بدتر، گوشه ای از تلاشی است که منجر به حفظ کل این نیروی ارتجاعی، تروریست و سیاه خواهد شد. اسلام سیاسی، خوب و بد، میانه رو و تند رو ندارد. در مقابل خشونت و تروریسم اسلامی حاکم، تنها و فقط یک جنبش آزادیخواهانه و سکولار قادر به ایستادگی و پایان دادن به خشونت است. راه سومی وجود ندارد. اسلام سیاسی باید به زیر کشیده و خلع قدرت شود. هر گونه تلاشی برای حفظ اسلام، تحت پوشش اسلام میانه رو، اسلام «خوش خیم» و غیره، ایستادن مستقیم در مقابل زنان، جوانان، کارگران و مردمی است که مطلقاً و ابداً حکومت دینی و قوانین اسلامی را نمیخواهند.

ما بیانیه کمیته صلح نوبل را تماماً بر علیه منفعت و مبارزه حق طلبانه، انسانی و بر علیه حقوق زنان، کودکان و مردم ایران و سایر کشورهای اسلام زده ارزیابی میکنیم. ما بدین وسیله این بیانیه را محکوم میکنیم.

۱۲ اکتبر ۲۰۰۳

رونوشت به شترین عبادی رونوشت به سازمانهای مدافع

۱- مینا احدی، بنیانگذار و مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار، نماینده سازمان آزادی زن در خارج از کشور * ۲- مهنوش موسوی، نویسنده و سردبیر هفته نامه آزادی زن، ارگان سازمان آزادی زن. عضو شورای مرکزی زنان مبارز از آلمان، متشکل از نمایندگان سازمانهای مترقی و احزاب زنان فمینیست آلمان * ۳- آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن، سردبیر مجله مدوسا نشریه کانون زن و سوسیالیسم، رئیس مرکز دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه * ۴- پروین کابلی، سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، مدیر رادیوی فارسی زبان کمپین زنان در یوتیوبی * ۵- ناهید ریاضی، فعال حقوق زنان، عضو هیئت رئیسه انجمن قلم در دانمارک، هماهنگ کننده کمپین دفاع از حقوق زنان ایران تشکیلات دانمارک، مدیر تلویزیون فارسی زبان در دانمارک * ۶- سوسن صابری، دانشجو، فعال حقوق زنان، مسئول رادیوی فارسی زبان همبستگی در یوتیوبی * ۷- شهلا خباز زاده، فعال حقوق زنان در آلمان * ۸- لیلیا قاسمیانی، سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در

ما اجازه نخواهیم داد! رنسانس بزرگ و پروژه شیرین عبادی کیان آذر اصفهان

طور مادی در گفتگو با آنها درک می شود.

با این توصیفات شما در وهله اول مسئولیت این موقعیت را به عهده ندارید - هر چند که شما آن را ایجاد کرده اید - بلکه قوانینی که شما از آنها پیروی می کنید و نحوه نگرشتان که در اعماق این پروژه خود را نشان داده و این حالت تدافعی از نظر جامعه ایران را به شما داده است، مسئول اصلی این موقعیت برای شما هستند. شما

علیرغم همه آنچه که از اسلام و جمهوری اسلامی - پشخا - دفاع نمودید ولی مانند همه ی زنان ایرانی چه در گذشته و بسیار روشن در این جریان فدا شده ی این سیستم و تفکر آن هستید. با این همه سرکوب و جوانان با داشتن هیچ، از زندگی انسانی در قرن بیست و یکم و بقیه اقتشار که در چرخ دنده های نظام سرمایه داری اسلامی هر روز نابود می شوند، هرگز به شما و امثال شما اجازه نخواهند داد که مانع برقراری جامعه ای که آزادی، برابری، سکولاریسم، شادی و رفاه ویژه گیهای آن است را با تلاش برای باقی گذاردن کثافت جمهوری اسلامی و اسلام از هر سبکش بشوید. ما تا استاندار زندگی و انسان آنچنان که منصور حکمت آن را ترسیم کرده هیچ گاه اجازه نخواهیم داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری!

از زمان اعلام اعطای جایزه صلح نوبل به میسز خواهر شیرین عبادی، نیاز به نوشتن مطلبی در زمینه اعلام نظر خود دیدیم و بعد از سخن پراکنهای ایشان این نیاز، ضروری تر به نظر رسید. من به عنوان یک جوان که در این جامعه زندگی می کنم و به ظرفیتهای رادیکالیسم موجود در بخشهای انقلابی و پویای اینجا آگاهی دارم یک گفته را میخوام برای ایشان بنویسم.

جامعه ای که تغییر و دگرگونی را از ریشه ها و میانی آغاز کرده، و هر آنچه را که تقدس تاریخی، ملی، شرعی و بالاتر از همه تقدس سود سرمایه داری است (به زیر سوال می برد) و اقدام به قطع کردن تمام این پدیده های ضد انسانی کرده و در این راه خود را نوک این کوه یخ، رادیکالیسم و تفکر کمونیسم کارگری قرار گرفته، شما با تمامی گذشته و اقداماتتان که در رسانه های مختلف از آنها یاد می شود نه تنها ظرفیت کم بلکه مانعی بر سر راه این رنسانس بزرگ همه جانبه هستید و من جوان در این لحظات که این سطور را می نویسم کاملاً با تمام هر آنچه که شما در گفتگوهای تان از آنها دفاع کرده اید آشنا هستم و این حرفها به هیچ عنوان قابل قبول برای من نیست و این نظر بسیاری از جوانان این جامعه است و این به

ایران، تشکیلات گوتنبرگ * ۹- کلاویژ مصطفی نژاد، فعال کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران در گوتنبرگ، سوئد * ۱۰- مهین علیپور از مسئولین هدایت کمپین بین المللی حقوق زنان در ایران- واحد سوئد، سخنگوی این سازمان در استکهلم * ۱۱- سهیلا شریفی، نویسنده و ژورنالیست * ۱۲- شهناز مرتب، عضو هیئت اجرایی اتحادیه کارگران در استان هسن و راین لند فاس آلمان، نماینده کمپین بین المللی علیه سنگسار در فرانکفورت * ۱۳- سهیلا کیانی، فوق لیسانس زبان عربی، فعال حقوق و آزادی زن * ۱۴- صحرا کیانی دانشجوی رشته بیولوژی * ۱۵- طاووس کریمی، خانه دار، آزادیخواه، مدافع حقوق زن * ۱۶- پروین معادی، مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان ایران، در آلمان * ۱۷- هلاله طاهری،

نوک کوه یخ!

مرکزی همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی * ۲۳- سولماز کیانی، آذادیخواه، مدافع حقوق زن از اطریش * ۲۴- شهذخت قربانی، لیسانس روانشناس از شیراز، فعال آزادی زن * ۲۵- توران احمدی، دبیر ریاضی، مدافع حقوق زن از گچساران * ۲۶- پروین پورحکیم، دبیر ورزش دبیرستان، فعال حقوق زن از گچساران * ۲۷- شهذخت آریایی، دانشجوی میکروبیولوژی از کازرون * ۲۸- شقایق مهرجو دانشجوی حقوق از تهران فعال حقوق زنان * ۲۹- شعله رعنا زاده، فوق لیسانس ادبیات فارسی، استاد دانشگاه آزاد * ۳۰- بی بی آشتا، شاغل، فعال و مدافع حقوق زن از کلن آلمان * ۳۱- آذر مدرسی، رئیس تلویزیون انترناسیونال * ۳۲- سارا محمد، فعال حقوق زن از عراق، مبتکر ایجاد تشکل پلا و فاطمه را هرگز فراموش نکن در سوئد. (دو زنی که قربانی قتل‌های ناموسی شدند) * ۳۳- هاله رافع، فعال حقوق زن، مسئول و سخنگوی کمپین دفاع از حقوق زنان در عراق * ۳۴- پگاه احمدزاده، دانشجو، مدافع حقوق و آزادی زن از آلمان * ۳۵- شهناز خندانی، مسئول نهاد اول کودکان در آلمان * ۳۶- ترکس زنگنه، مدافع حقوق کودک، فعال نهاد اول کودکان در سوئد * ۳۷- نازنین صدیقی، فعال حقوق زنان، گوینده رادیو فارسی زبان همبستگی در گوتنبرگ سوئد * ۳۸- ساکار احمد، مسئول سازمان مستقل زنان عراق مستقر در اربیل، سردبیر نشریه برابری و مسئول خانه امن زنان، فعال سرشناس حقوق زن در کردستان عراق * ۳۹- مریم کوشا، فعال حقوق زن، عضو هیئت تحریریه نشریه مدوسا از کانون زن و سوسیالیسم‌هاز مسئولین کمیته حقوق مدنی در ایران * ۴۰- زری اصلی، فعال حقوق زنان، هماهنگ کننده کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه از ونکور کانادا * ۴۱- سیما بهاری، مربی مهد کودک، فعال سیاسی، گوینده رادیو انترناسیونال * ۴۲- آذر پویا، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن * ۴۳- مینا احمدلو، فعال سیاسی، فعال جنبش آزادی زن، گوتنبرگ سوئد * ۴۴- غریبه حسینی، عضو سازمان دفاع از قربانیان خشونت در سوئد، سخنگوی کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران، تشکیلات هلسینگبوری سوئد * ۴۵- شهبلا دانشفر، مبتکر ایجاد صندوق مالی برای کارگران اعتصابی ایران، سردبیر سایت کارگران * ۴۶- پروانه احمدی، فعال حقوق کودک، عضو نهاد اول کودکان سوئد * ۴۷- نسرين پرواز، نویسنده

کتاب زیر بوته لاله عباسی، زندانی سیاسی سابق در جمهوری اسلامی * ۴۸- دینا نامی، مسئول تشکل هیشو را فراموش نکن در لندن، (هیشو دختری که در لندن توسط خانواده به قتل ناموسی محکوم شد) * ۴۹- شیوا محبوبی، مسئول روابط عمومی کمیته بین المللی علیه سنگسار، بریتانیا * ۵۰- عنرا آدمی (آباجی)، مدافع و فعال حقوق زن، سوئد * ۵۱- نظریه ابشام عزیزی، مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران- دانمارک * ۵۲- فرشته مرادی، مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران- هلند * ۵۳- شیرین سماورساز، کارمند بانک، مدافع حقوق و آزادی زن، گوهردهشت کرج * ۵۴- مریم یادگار اصل، دانشجوی معماری، اصفهان، مدافع حقوق و آزادی زن * ۵۵- سیمین یادگار اصل، دانش آموز سال چهارم دبیرستان، فعال پرشور آزادی زن، اصفهان * ۵۶- زهرا امیدوار، معلم مدرسه ابتدایی، زندانی سیاسی حکومت اسلامی، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن، همدان * ۵۸- لادن داور، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن، کلن آلمان * ۵۹- گشاو محمد، مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در عراق * ۶۰- سهیلا حسن، شغل آزاد، فعال و مدافع حقوق زن * ۶۱- بی کرد وهاب فعال کمپین دفاع از حقوق زنان در عراق، کلن آلمان * ۶۲- نادیه محمود، چهره و شخصیت سرشناس دفاع از حقوق زنان در عراق، هماهنگ کننده مرکز دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه، یکی از بنیانگذاران سازمان آزادی زن در عراق * ۶۳- محبوبه سیاهمردی، نرس بیمارستان، مدافع آزادی و حقوق زن * ۶۴- مریم طاهری، فعال سیاسی، زندانی سیاسی سابق در زندانهای حکومت اسلامی، فعال و مدافع حقوق و آزادی زن * ۶۵- شهین پیشه احسان، فعال حقوق زن، بلژیک * ۶۶- مریم نمازی، دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، سردبیر نشریه همبستگی انگلیسی، سردبیر هفته نامه انگلیسی زبان بریفینگ * ۶۷- سهیلا خسروی، نرس بیمارستان، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن * ۶۸- فریام افراسیاب پور، سخنگوی کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران در وسترس سوئد * ۶۹- زهرا حسن پور، فعال سیاسی، مدافع آزادی زن * ۷۰- اختر فلاحیان، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن * ۷۱- مریم جبارزاده، دانشجوی کالج از اسن آلمان، مدافع حقوق و آزادی زن، فعال سیاسی * ۷۲- مینو همیلی، زندانی سیاسی سابق در حکومت اسلامی، مسئول همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان در تورنتو کانادا، فعال سیاسی، مدافع

حقوق و آزادی زن * ۷۳- فهیمه صادقی، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن، مسئول فدراسیون پناهندگان ایرانی در ونکور کانادا * ۷۴- نگار فرشیدفر، وکیل دادگستری از تهران، مدافع حقوق و آزادی زن * ۷۵- کتابیون آریان پور، کارمند بهداری از تبریز، مدافع آزادی و حقوق زن * ۷۶- مینو همتی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن لس آنجلس آمریکا * ۷۷- مریم صادقی، خانه دار، مدافع آزادی و حقوق زن * ۷۸- طغری قره گوزلو، فعال سیاسی، مدیر تلویزیون فارسی زبان کاش در برلین، مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار در برلین * ۷۹- مریم شهبان، مدافع آزادی و حقوق زن * ۸۰- آناهیتا ناصر، گوینده رادیو همبستگی در گوتنبرگ سوئد، مدافع آزادی و حقوق زن * ۸۱- مریم سلطانی، آرایشگر، مدافع حقوق و آزادی زن * ۸۲- ویدا براتیان، فعال سیاسی، عضو دبیرخانه همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در آلمان * ۸۳- فاطمه آقایی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۸۴- نازنین پرومند، فعال سیاسی، سردبیر نشریه آلمانی زبان آپ-ای، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن * ۸۵- ثریا خضری، دانشجوی اقتصاد سیاسی هامبورگ، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن * ۸۶- ثریا طلوعی، خانه دار، مدافع آزادی زن، دورتموند آلمان * ۸۷- امیر محسنی، دانشجوی فلسفه، آلمان * ۸۸- پروین جبارزاده، دانش آموز دبیرستان، مدافع حقوق زنان، گوتنبرگ سوئد * ۸۹- زهرا آقایی، دانش آموز دبیرستان، مدافع آزادی زن، پادپورن آلمان * ۹۰- حمیده جعفری، خانه دار، مدافع آزادی زن، پادپورن آلمان * ۹۱- پریسا پوینده، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن، آمستردام هلند * ۹۲- لیدا شریفی، لیسانس اقتصاد نظری، کارمند آب و فاضل حقوق زن * ۹۳- شروینه آقا خدایاری، دانشجوی زبان انگلیسی، مدافع آزادی و حقوق زن، شهر کرد * ۹۴- نسترن علی محمدی، کارمند فرودگاه مهرآباد، مدافع آزادی و حقوق زن * ۹۵- شایسته طاهرخانی، پرستار سالمندان، مدافع آزادی و حقوق زن، کلن آلمان * ۹۶- منیر شریف پوریان، خانه دار، مدافع آزادی و حقوق زن * ۹۷- سحر فرجاد، پرستار سالمندان، مدافع آزادی و حقوق زن * ۹۸- اعظم شایسته، حروفچین روزنامه، مدافع آزادی و حقوق زن آلمان * ۹۹- مرضیه درجی، خانه دار، مدافع آزادی و حقوق زن، کلن آلمان * ۱۰۰- نسیم رهنما، فعال کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران، واحد کپنهاک، مسئول رادیوی جوانان این شهر * ۱۰۱- شیوا فرهنگند، فعال کمپین دفاع از حقوق زنان در

ایران-کپنهاک * ۱۰۲- بهناز تحصیلی، فعال کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران-کپنهاک * ۱۰۳- کتابیون فرهنگند، فعال کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران-کپنهاک * ۱۰۴- فخری نادری، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، مالمو سوئد * ۱۰۵- سمیرا شادبخش، تعمیرکار قالی، مدافع آزادی و حقوق زن، مشهد * ۱۰۶- هما ارجمند، مددکار اجتماعی، فوق لیسانس فیزیک پزشکی، فعال و مدافع حقوق زن * ۱۰۷- فریبا مهربان، پزشک غدد داخلی از کانادا، فعال و مدافع حقوق و آزادی زن * ۱۰۸- ویدا نیروبخش، مهندس کامپیوتر از کانادا، فعال مدافع حقوق و آزادی زن از ایران * ۱۰۹- یدی گلچینی، کارگر ماشین های سنگین، سوئد، مخالف سرسخت قوانین اسلامی، کادر حزب کمونیست کارگری ایران * ۱۱۰- مارک شریعت، مدافع آزادی و حقوق انسانی * ۱۱۱- نادر بکتاش، فعال سیاسی و فرهنگی، نویسنده از پاریس * ۱۱۲- صالح فلاحی، مدافع آزادی * ۱۱۳- فاطمه اقدامی، فعال سیاسی، کارمند خانه های سالمندان هلند * ۱۱۴- فروغ ارغوان، زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی، کانادا * ۱۱۵- فواد روشن، مسئول خانه آیندگان، گوتنبرگ سوئد * ۱۱۶- اسماعیل مولودی، عضو رهبری سازمان نجات کودک در غرب سوئد، مددکار اجتماعی، عضو رهبری اتحادیه * ۱۱۷- ارمنندان کومون در غرب سوئد * ۱۱۷- که وین کتابی، دانشجوی رشته فیزیک و فعال سیاسی در سوئد * ۱۱۸- لیلیا روشن ضمیر، فعال سیاسی، مخالف اسلام سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۱۱۹- مریم روشن ضمیر فعال سیاسی، مخالف اسلام سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۱۲۰- ثنا پیر خضری، عضو فعال کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در سوئد * ۱۲۱- سارا مردادی فعال حقوق زنان و کودکان، گوتنبرگ سوئد * ۱۲۲- رویا شاد، مسئول بخش اطلاعاتی دانشگاه هستون، آمریکا * ۱۲۳- خلیل کیوان، فعال سیاسی، سوئد، مخالف اسلام سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۱۲۴- آرزو محمدی فعال کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، سوئد * ۱۲۵- نادر شریفی، مسئول سایت آینه، فعال سیاسی * ۱۲۶- شمیم، ترانه سرا و خواننده از استکهلم * ۱۲۷- مرسده قانندی، زندانی سابق جمهوری اسلامی، فعال سیاسی * ۱۲۸- رضا اخگر، فعال سیاسی، آذادیخواه، مدافع حقوق زن * ۱۲۹- مجتبی محبوب، فعال سیاسی، مدافع آزادی و برابری * ۱۳۰- ویدا احسان، زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی، آذادیخواه * ۱۳۱- مهران مجبوری، رانده کامیون، فعال سیاسی علیه اسلام سیاسی * ۱۳۲- هتاو امینی

نوک کوه یخ!

برای یک دنیای بهتر و خلاف جریان در شبکه کانال یک ماهواره، سردبیر مجله پرسش * ۱۶۵ - سهند، از همدان * ۱۶۶ - صلاح ایراندوست، سردبیر سایت اینترنتی روزنه * ۱۶۷ - امیر توکلی، همکار هفته نامه آزادی زن، فعال سیاسی سوند * ۱۶۸ - محمد آسنگران، فعال سیاسی، مخالف اسلام، مدافع آزادی و حقوق زن، آلمان * ۱۶۹ - ایرج فرزاد، زندانی سیاسی سابق، سردبیر نشریه ایسرا، از رهبران مردم شهر سنندج * ۱۷۰ - بابک شدیدی، نماینده همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، آنکارا ترکیه * ۱۷۱ - غفار غلام ویسی، فعال سیاسی و مسئول همبستگی در نوروز * ۱۷۲ - صادق زندی، فعال سیاسی، همکار رادیو انترناسیونال، فعال سیاسی * ۱۷۳ - سعید کرامت، محقق امور خاورمیانه، از تورتو کانادا * ۱۷۴ - الهه سرداری، آنکارا ترکیه، فعال حقوق زنان * ۱۷۵ - محمود رهبری، دانشجو، فعال و یکی از مسئولین همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان سر سوئیس * ۱۷۶ - سینا بهرنگی از تهران، مخالف سرسخت اسلام * ۱۷۷ - آرا نوشیروانی، کارگر تولید الکترونیک و موتاتژ، مدافع حقوق زن و کودک، آزادی و برابری انسانها * ۱۷۸ - کوروش مدرسی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران * ۱۷۹ - حمید فتح شناس، زندانی سابق سیاسی، فعال و مدافع حقوق زن * ۱۸۰ - جلال محمود زاده، مبتکر ایجاد کمپین همبستگی با کارگران ایران * ۱۸۱ - ساکار احمدزاده، فعال سیاسی، همکار نشریه مدوسا از کانون زن و سوسیالیسم * ۱۸۲ - مهدی قیاسی، فعال سیاسی جنبش آزادی و برابری، همکار سایت اینترنتی آینه از آلمان * ۱۸۳ - هلین اسماعیلی * ۱۸۴ - محمد محمدی * ۱۸۵ - عبدالله خوش پیام * ۱۸۶۱۸۶۱۸۶ - فاطمه رضایی * ۱۸۷ - ۵ نفر از دانش آموزان دبیرستان دخترانه منطقه شرق تهران، حوالی میدان رسالت، رشته طبیعی، کلاس چهارم نظری، مدافع آزادی زن، مخالف سرسخت اسلام و ستم بر زن * ۱۸۸ - جعفر فتح الهی * ۱۸۹ - حمید محمدی * ۱۹۰ - آزاد محمدی * ۱۹۱ - بهزاد محمدی * ۱۹۲ - مسعود محمدی * ۱۹۳ - محبوبه محمد زاده * ۱۹۴ - بهالالدین ترابی * ۱۹۵ - علی محمدی * ۱۹۶ - قمرناز اسماعیلی * ۱۹۷ - رحمان شریفی * ۱۹۸ - آزاد آزادی * ۱۹۹ - فرهاد زندی * ۲۰۰ - پیمان اسماعیل راد * ۲۰۱ - معصومه شهبازی * ۲۰۲ - اختیار میرزایی * ۲۰۳ - مسعود طلوعی فر * ۲۰۴ - شلیپر

خوش نام * ۲۰۵ - سروه خوش نام * ۲۰۶ - ژیان خوش نام * ۲۰۷ - مهری حسینی * ۲۰۸ - فرشاد حسینی، مسئول هیئت دبیران همبستگی، فعال سیاسی * ۲۰۹ - کیوان جاوید معاون دبیر همبستگی، زندانی سیاسی سابق رژیم اسلامی، فعال سیاسی * ۲۱۰ - حسین ابراهیمی، فعال سیاسی * ۲۱۱ - زهره آزادی از هلند، مدافع آزادی و حقوق زن * ۲۱۲ - مریم از ایران، فعال سیاسی و مدافع آزادی زن * ۲۱۳ - نور عبدالقادر فعال سیاسی از کلن آلمان * ۲۱۴ - محمد حبیبی، فعال سیاسی * ۲۱۵ - سوسن احمدی، مددکار اجتماعی تورتو کانادا * ۲۱۶ - آرش حسینی، فعال سیاسی * ۲۱۷ - قادر محمود پور، مخالف قوانین اسلامی از نوروز * ۲۱۸ - یوسف رسولی، تکنشین کامپیوتر، شاعر و روزنامه نگار، سوند * ۲۱۹ - حسام منتظری، عضو دبیرخانه همبستگی در استکهلم سوئد * ۲۲۰ - نسرين بشارت، مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان ایران در کانادا * ۲۲۱ - سیاوش دانشور، مدیر رادیو انترناسیونال * ۲۲۳ - بابک یزیدی، از بنیانگذاران سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، مدیر اجرایی نشریه خاوران، فعال جنبش آزادی، برابری از کانادا * ۲۲۴ - احمد نیکوین * ۲۲۵ - سورمه حمید، مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در عراق، دفتر ملبورن استرالیا * ۲۲۶ - نوید محمدي، فعال سیاسی از آلمان * ۲۲۷ - ملکه عزتی، مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان ایران در نوروز * ۲۲۸ - سپهرداد گرگین، شاعر و عضو انجمن قلم کانادا * ۲۲۹ - کیومرث سنجر، فعال سیاسی و مدافع حقوق زن * ۲۳۰ - مینو سنجر، فعال سیاسی و مدافع حقوق زن * ۲۳۱ - پری زارع، فعال جنبش آزادی زن، استاد انشگاه آزاد در ایران * ۲۳۲ - ترکس هدایتی، فعال سیاسی، کورتنبرگ سوئد * ۲۳۳ - فهیمه قطعی، فعال جنبش آزادی زن * ۲۳۴ - سحر الیاسی، کارگر * ۲۳۵ - خالد طاهری، فعال سیاسی * ۲۳۶ - سارا سبیلی، مدافع آزادی و حقوق زن از آلمان * ۲۳۷ - لطیف از انگلستان، فعال حزب کمونیست کارگری * ۲۳۸ - سیامک اصجدی، سردبیر نشریه همبستگی، عضو دبیرخانه مرکزی همبستگی * ۲۳۹ - علی سارمی، مسئول خانه امن زنان در لین شویینگ سوئد * ۲۴۰ - سیما امیدوار، دانشجو از تهران * ۲۴۱ - امید خداباشی، سازمان جوانان کمونیست از دانمارک * ۲۴۲ - حمید عیسی پور، عضو کمیته سنگسار و فعال سیاسی کلن آلمان * ۲۴۳ - سهراب وفا، فعال سیاسی * ۲۴۴ - دکتر سعید صالحی نیا، فعال سیاسی، عضو کمیته آزادی و

دمکراسی در ایران از شیکاگو، دانشکده پزشکی شیکاگو * ۲۴۵ - دکتر سمیعه عسکری، فعال سیاسی، عضو کمیته آزادی و دمکراسی در ایران از شیکاگو * ۲۴۶ - سعید یگانه، مدافع آزادی و حقوق زن، فعال سیاسی * ۲۴۷ - کمال علیرمایی، فعال سیاسی * ۲۴۸ - سیروان شیخ امین، فعال حقوق پناهندگی، فنلاند * ۲۴۹ - سوند سامی، فعال سازمان مستقل زنان در کردستان عراق، فنلاند * ۲۵۰ - تارا احمد فعال سازمان مستقل زنان در کردستان عراق، سوئد * ۲۵۱ - علی عبدالکریم، نویسنده، سوئد * ۲۵۲ - مجید فرجیان، فعال سیاسی، مسئول رادیو مدوسا در هلنسبورج سوئد * ۲۵۳ - فرزاد فرجیان، دانشجو رشته مهاجرت بین المللی در هلنسبورج سوئد * ۲۵۴ - علی عبدالی، مربی تعلیم و تربیت، فعال سیاسی از سوئد * ۲۵۵ - نفر از زنان کارگر کارخانه داروسازی، جاده قدیم کرج * ۲۵۶ - ناصر اصغری، فعال جنبش کارگری * ۲۵۷ - محمد مقدم، فیزیکنان از آمریکا * ۲۵۸ - سعید مدانلو، فعال سیاسی کمونیست، لس آنجلس آمریکا * ۲۵۹ - افسانه رحیمی، مسئول فدراسیون پناهندگان ایرانی، لس آنجلس آمریکا * ۲۶۰ - جلال برخوردار، فعال سیاسی * ۲۶۱ - رضا مرادی، دبیر همبستگی در بریتانیا * ۲۶۲ - سارا نخعی، فعال سیاسی، فعال فدراسیون پناهندگی از سوئد * ۲۶۳ - محمد یگانه، فعال سیاسی * ۲۶۴ - داریوش نیکنام، فعال سیاسی و مدافع حقوق و آزادی زن از نوروز * ۲۶۵ - شمه صلواتی، شاعر و نویسنده، فعال سیاسی از کاسل آلمان * ۲۶۷ - نسان نودینیان، دبیر کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران * ۲۶۸ - پدی کریمی، فعال حزب کمونیست کارگری ایران * ۲۶۹ - شاهو پیر خضریان، نویسنده از استکهلم * ۲۷۰ - نسرين جلالی، فعال سیاسی کمونیست، از مسئولین انجمن مارکس-حکمت، لندن * ۲۷۱ - آوات شریفی، فعال سیاسی * ۲۷۲ - سلام زبیدی * ۲۷۳ - احمد حسینی، کارگر جوان از ایران * ۲۷۴ - رحمان حبیبی، کارگر جوان از ایران * ۲۷۵ - علی عزیز، کارگر جوان از ایران * ۲۷۶ - جلال حسنی، کارگر جوان از ایران * ۲۷۷ - محمد محمد امینی، کارگر جوان از ایران * ۲۷۸ - صلاح الدین سردار، کارگر جوان از ایران * ۲۷۹ - اسرین جلال آبادی، کارگر جوان از ایران * ۲۸۰ - شیوا توفیقی، کارگر جوان از ایران * ۲۸۱ - علی مرادی (علی برقی)، نماینده سابق کارگران در کارخانه صنعتی مدنی، کارخانجات خط تولید کرج، فعال سیاسی در عرصه برابری کامل حقوق زن و مرد * ۲۸۲ - علی

ابراهیم نژاد، مهندس الکترونیک و مدیر واحد انفورماتیک در یک شرکت خودروسازی تهران * ۲۸۳ - نیما روزبه از تهران، فعال سیاسی و مدافع آزادی و حقوق زن * ۲۸۴ - ترگس غفار نژاد، ژورنالیست و برنامه ساز رادیو فارسی زبان ایر آوا در کانادا * ۲۸۵ - رضا سیف نوری، آزدیخواه، مخالف مذهب و خرافات از برلین * ۲۸۶ - عبدالله شریفی، فعال سیاسی * ۲۸۷ - شهزاد محبوبی، پرستار بیمارستان، فعال سیاسی علیه اسلام سیاسی * ۲۸۸ - ساوالان کریمی، مدیر مدرسه، پژوهشگر علوم آموزشی کودک از سوئد * ۲۸۹ - شهلا نوری، فعال سیاسی از سوئد * ۲۹۰ - آنیا لیلیا مریم جمال، از کمیته دفاع از حقوق زنان در عراق، کانادا * ۲۹۱ - سمیر نوری، نویسنده، کادر حزب کمونیست کارگری عراق * ۲۹۲ - مهین ملکی، مهندس آرشیستک، فعال جنبش آزادی زن و حقوق پناهندگی * ۲۹۳ - دکتر ژیا حق گو، فعال جنبش آزادی و برابری، مدافع حقوق زن * ۲۹۴ - سیامک ملکی، فوق لیسانس اقتصاد، مدافع آزادی و حقوق زن * ۲۹۵ - حمید رحیم پور، فعال سیاسی، مدافع آزادی زن * ۲۹۶ - سعید کلهر، مدافع آزادی و حقوق زن * ۲۹۷ - ماشالله موسی وند، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن و مرد * ۲۹۸ - داریوش صفا، فعال سیاسی * ۲۹۹ - سیامک کلهری، فعال سیاسی * ۳۰۰ - ایرج عبدالهی، مدافع آزادی * ۳۰۱ - جلال حسینی، کارمند از گوتنبرگ سوئد * ۳۰۲ - ریتا کاظمی، دانشجو از برلین، مدافع حقوق زنان و کودکان * ۳۰۳ - پیمان بخشایش، پزشک از سوئد، فعال حقوق پناهندگی در سوئد * ۳۰۴ - کتایون رضوی نیا، پرستار فعال کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران * ۳۰۵ - صابر رحیمی، فعال سیاسی از نوروز * ۳۰۶ - ابوبکر شریفی، فعال سیاسی، مخالف اسلام سیاسی و مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۰۷ - آوات صادقی، دانش آموز رشته کودکیاری، مدافع حقوق زنان و کودکان، آزادی و برابری * ۳۰۸ - مهدی طاهری، فعال سیاسی * ۳۰۹ - آلا فرج، مسئول سازمان دفاع از حقوق زنان عراق ساکن در کشور فنلاند * ۳۱۰ - شهلا رستم، مدافع حقوق زنان از فنلاند، عضو سازمان مستقل زنان در کردستان عراق * ۳۱۱ - قمری طیب، فعال حقوق زنان، عضو سازمان مستقل زنان در کردستان عراق * ۳۱۲ - دلبر غفوری، فعال سیاسی و مخالف سرسخت اسلام سیاسی، * ۳۱۲ - سروه هوز، از مسئولین سازمان مستقل زنان در کردستان عراق و مدافع حقوق زن * ۳۱۳ - رضا کمانگر، معاون دبیر تشکل کاریابی مهاجرین ایرانی و عراقی در فنلاند، زندانی سابق رژیم

اسلامی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۱۴ - کلاله معروف، فعال سیاسی، مدافع آزادی زن * ۳۱۵ - حسن صالحی، مهندس الکترونیک، فعال سیاسی کمونیست از سوئد * ۳۱۶ - چیمین دارابی، زندانی سیاسی سابق رژیم اسلامی، مدافع آزادی زن * ۳۱۷ - نسرين خدادوست، فعال سیاسی، مدافع آزادی زن، نوروز * ۳۱۸ - لاله احمد، فعال سیاسی * ۳۱۹ - عبدالله دارابی، یکی از رهبران کمونیست سرشناس مردم کردستان ایران * ۳۲۰ - مجید حمیدیان، فعال سیاسی و حقوق پناهندگی * ۳۲۱ - آستارا محمود فاتح، نماینده سازمان آزادی زن در عراق ساکن هلند * ۳۲۲ - محمود غفار عزیز، دبیر کمیته حزب کمونیست کارگری عراق در هلند * ۳۲۳ - سردار عبدالله از حلبچه عراق، فعال اتحادیه بیکاران و مدافع حقوق زن و کودکان عراق * ۳۲۴ - آرمان مرادی، دانشجو، فعال سیاسی و مدافع حقوق زن از آلمان * ۳۲۵ - علی پور خلیلی، فعال سیاسی بر علیه رژیم اسلامی، مدافع حقوق زنان و کودکان، آلمان * ۳۲۶ - محمود رضا طاهری فعال سیاسی جنبش ضد اسلامی، مدافع آزادی و حقوق مردم از آلمان * ۳۲۷ - بهزاد ذوقی، فعال سیاسی بر علیه حکومت اسلامی، مدافع آزادی و برابری از آلمان * ۳۲۸ - جعفر رحمانی، فعال سیاسی بر علیه حکومت اسلامی، مدافع آزادی و برابری از آلمان * ۳۲۹ - مسعود قهرمانی، دبیر همبستگی در کلن آلمان * ۳۳۰ - حسین انصاری مرادقم، پزشک عمومی، فعال سیاسی، آلمان * ۳۳۱ - فرزاد نازاری، فعال سیاسی، آلمان * ۳۳۲ - سیروس ایل بیگی، فعال سیاسی بر علیه حکومت اسلامی، فعال جنبش آزادی و برابری از آلمان * ۳۳۳ - ج مال خسروی، کارگر، فعال سیاسی از آلمان * ۳۳۴ - فردوس جوهری فر، نرس بیمارستان، فعال سیاسی از آلمان * ۳۳۵ - نصرت مبهودی فر، قناده، فعال سیاسی * ۳۳۶ - خسرو عظیمی، شیشه بر، فعال سیاسی * ۳۳۷ - وریا احمدی، کارمند بیمارستان، مسئول گروه کاری شبکه جنوب و شمال اتحادیه سراسری کارگران د. گب در کلن آلمان * ۳۳۸ - محمد شهاب شهبازی، فعال سیاسی * ۳۳۹ - اصغر عابدی، چاپگر، فعال سیاسی * ۳۴۰ - ایرج فرجاد، فعال سیاسی، مدافع حقوق و آزادی زن، آلمان * ۳۴۱ - رضا احمدی، فعال سیاسی از آلمان * ۳۴۲ - صالح گویلی، فعال سیاسی از آلمان * ۳۴۳ - سیاوش چراغپور، کارگر راه آهن، فعال سیاسی * ۳۴۴ - امیر نوری، فعال سیاسی از آلمان * ۳۴۵ - زرتشت احمدزاده، فعال سیاسی از آلمان * ۳۴۶ - حیدر گویلی، راننده تاکسی، فعال سیاسی از آلمان * ۳۴۷ - سارا یوسف، دانش آموز، مدافع آزادی و حقوق مردم از آلمان * ۳۴۸ - اکبر

نوک کوه یخ!

یوسف، دبیر ورزش، فعال سیاسی از آلمان * ۳۴۹ - کبری پورحسینی، حسابدار، فعال سیاسی * ۳۵۰ - ماندانا خالق پور، مادر پرهام ۸ ساله، تن فروش از قصر فیروزه تهران، مخالف حکومت، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۵۱ - داوود آرام، فعال سیاسی کارگری، مدافع حقوق و آزادی زن، اتاوا کانادا * ۳۵۲ - بهمن خانی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۵۳ - علی اکبری از آمریکا * ۳۵۴ - یوسف اکرمی، فعال سیاسی، فیلم ساز از کانادا * ۳۵۵ - رضا پایدار، فعال جنبش آزادی و برابری * ۳۵۶ - مریم درخشان، فعال جنبش آزادی و برابری * ۳۵۷ - دکتر طوما حمید * ۳۵۸ - حسین شاکری از سیدنی، مدافع آزادی و حقوق زن، فعال جنبش ضد اسلامی * ۳۵۹ - سازمان جنبش آشتی ملی * ۳۶۰ - دکتر محمود تهرانی (مرادخانی)، پزشک و فعال سیاسی در فرانسه از جنبش آشتی ملی * ۳۶۱ - فراهان، دانشجوی دکترا از تهران * ۳۶۲ - شیرین ارجمند، مدافع آزادی و حقوق زن از نروژ * ۳۶۳ - هومان فرجام، فعال سیاسی، لیسانس مدیریت * ۳۶۴ - هرو فرجام، فعال جنبش آزادی و برابری * ۳۶۵ - کامران مظفر، مهندس آبیاری، فعال سیاسی * ۳۶۶ - اسماعیلی، فعال سیاسی کارگری * ۳۶۷ - ژیلآ هترمند، لیسانس جامعه شناسی، دبیر، مدافع حقوق و آزادی زن * ۳۶۸ - امید بارافزین، مدافع حقوق و آزادی زن * ۳۶۹ - نازنین نادری، مدافع آزادی و حقوق زن از نروژ * ۳۷۰ - مصطفی اسد پور، فعال سیاسی کمونیست، تهیه کننده برنامه رادیو اترنالیونال * ۳۷۱ - فرزانه مطیعی، بهیار، مدافع حقوق زن * ۳۷۲ - کامیار کرمی، دبیر سابق ادبیات، نویسنده، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۷۳ - عبیدل کلپریان، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۷۴ - شایسته قادر نژاد، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۷۵ - مجید حسینی، فعال کمونیست، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۷۶ - سامی نیکنام (محمد مزرعه کار) نماینده سابق کارگران شرکت نفت، فعال کمونیست * ۳۷۷ - م. منوچهری، کارگر از کرج * ۳۷۸ - زمانه محملی، زندانی سیاسی سابق در ایران، مدافع حقوق زنان و کودکان - کانادا * ۳۷۹ - ناصر احمدی، فعال جنبش ضد اسلامی * ۳۸۰ - حامد راد، فعال سیاسی کمونیست، فعال جنبش ضد اسلامی، مدافع آزادی و حقوق زن از تهران * ۳۸۱ - شکر فیضی نژاد، فعال سیاسی * ۳۸۲ - کبری ملک زاده، دبیر مدافع حقوق و آزادی زن * ۳۸۳ - میرحسین آقاییاری، مدافع حقوق انسانی * ۳۸۴ - مسعود کرمی، فعال سیاسی، مدافع حقوق

انسانی * ۳۸۵ - صابر نوری، فعال سیاسی از سوئد * ۳۸۶ - شهناز کرمی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۸۷ - محمود ناصری، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن، آلمان * ۳۸۸ - محمود احمدی، فعال سیاسی کمونیست، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۸۹ - علی محسنی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۹۰ - همایون گدازگر، فعال سیاسی و مدافع نژادی و حقوق زن * ۳۹۱ - زری ثابتی، فعال سیاسی و مدافع آزادی زن از هلند * ۳۹۲ - کیمیا فراهانی، مدافع آزادی و حقوق زن از سوئد * ۳۹۳ - شایلی علی زاده، مدافع آزادی و حقوق زن از هلند * ۳۹۴ - سعید آرمان، فعال سیاسی، فعال شناخته شده دفاع از حقوق پناهندگی در بریتانیا، مدافع آزادی و حقوق زن و کودکان * ۳۹۵ - نسرين رحمتی، مدافع آزادی و حقوق زنان و کودکان * ۳۹۶ - ابراهیم باتمانی، (شیروانه) فعال سیاسی و مدافع آزادی و حقوق زن * ۳۹۷ - مجید عباسی، فعال سیاسی و معاون دبیر همبستگی در دورتموند آلمان * ۳۹۸ - زهره امیر جلالی، فعال سیاسی * ۳۹۹ - فاطمه جعفری، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۰۰ - ناصح حیدری، (فواد کرمی) فعال سیاسی کارگری، مدافع آزادی و حقوق زن از دانمارک * ۴۰۱ - نیما طاهری، دانش آموز، مدافع آزادی و برابری حقوق زن و مرد * ۴۰۲ - علی بردونی، دانشجو، مدافع حقوق زن و مرد * ۴۰۳ - محمود موسوی، فعال سیاسی از آلمان * ۴۰۴ - سعید اعتضاد زاده، فعال سیاسی از آلمان * ۴۰۵ - ساناز اعتضاد زاده، فعال سیاسی مخالف حکومت از آلمان * ۴۰۶ - شهلا پیام، مدافع آزادی و حقوق زن از آلمان * ۴۰۷ - پرند زعفرانی، فعال سیاسی مخالف رژیم اسلامی * ۴۰۸ - پویا قزوینی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق مردم * ۴۰۹ - منوچهر قزوینی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق مردم * ۴۱۰ - رضا رجبی، فعال سیاسی مخالف رژیم اسلامی * ۴۱۱ - علی محملی، فعال سیاسی مخالف رژیم اسلامی * ۴۱۲ - علی محمد رجبی، مخالف حکومت اسلامی، مدافع حقوق مردم از لایبزیگ آلمان * ۴۱۳ - فرزین البری، مخالف حکومت اسلامی، مدافع آزادی و حقوق زن از لایبزیگ آلمان * ۴۱۴ - کوستان راستی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۱۵ - ژیلآ هرجابی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۱۶ - جاوید مقصدی، فعال سیاسی مخالف حکومت اسلامی * ۴۱۷ - سهیلا هرجابی، فعال سیاسی، مخالف حکومت اسلامی، لایبزیگ آلمان * ۴۱۸ - غلام سلیمانی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن از لایبزیگ آلمان * ۴۱۹ - سعید الیاسی، فعال سیاسی، مخالف رژیم اسلامی * ۴۲۰ - همایون الیاسی، مخالف رژیم اسلامی، فعال سیاسی * ۴۲۱ - بابک آطاهریان، فعال سیاسی

و مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۲۲ - عادل فیض الله، مسئول همبستگی در یواسکیلا فلاند * ۴۲۳ - چیمین کریم، مسئول تشکل زنان مهاجر در شهر یواسکیلا فلاند * ۴۲۴ - مصطفی قادری، فعال سیاسی کارگری * ۴۲۵ - فاطمه نوروزی، فعال و مدافع آزادی زن * ۴۲۶ - عبدالله قادری، فعال کمونیست * ۴۲۷ - آرزو کوثر، فعال و مدافع آزادی زن * ۴۲۸ - شهالا قادری، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۲۹ - پیروز قادری، مدافع آزادی و برابری * ۴۳۰ - آسو صالح، مدافع آزادی و حقوق مردم، علیه اسلام سیاسی * ۴۳۱ - صالح فیض الله، مدافع آزادی و برابری * ۴۳۲ - علی زمان ویسی، مدافع آزادی و حقوق مردم، مخالف اسلام سیاسی * ۴۳۳ - محسن گل محملی، فعال سیاسی کمونیست، زندانی سابق رژیم اسلامی * ۴۳۴ - زانکو گل محملی، مدافع آزادی * ۴۳۵ - نیما گل محملی، مدافع آزادی از فلاند * ۴۳۶ - آکو صالح، مدافع آزادی از اتریش * ۴۳۷ - آرام صالح، مدافع آزادی و برابری از اتریش * ۴۳۸ - شیرین فاتح، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۳۹ - پرشنگ محملی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۴۰ - جمال شریف، مدافع آزادی و برابری * ۴۴۱ - مصطفی صابر، سردبیر نشریه جوانان کمونیست * ۴۴۲ - کمال نصرالهی کارگر ساختمانی مدافع برابری زن و مرد از مریوان * ۴۴۳ - شهین مرادی محصل دبیرستان، مدافع آزادی زن از مریوان * ۴۴۴ - فرزانه امید دیلم بیکار فعال آزادی زن از مریوان * ۴۴۵ - امید بهروزی راننده تاکسی فعال در امر برابری زن و مرد از مریوان * ۴۴۶ - شهلا محملی خانه دار، مدافع آزادی و برابری زن و مرد از مریوان * ۴۴۷ - پروانه حمیدی فوق دیلم بیکار از فعالان آزادی زن از مریوان * ۴۴۸ - سارا عزیززی سال چهارم دبیرستان فعال سیاسی از سنندج * ۴۴۹ - حمید زارعی کارگر خیاطی از سنندج * ۴۵۰ - سهیلا ابراهیمی فعال سیاسی و مدافع آزادی زن از مریوان * ۴۵۱ - افسانه رجبی محصل دبیرستان، مدافع آزادی زن از مریوان * ۴۵۲ - بهرام یزدانی کارگر بیکار و فعال سیاسی از مریوان * ۴۵۳ - کاروان پناهی قبولی برای دانشگاه، مدافع آزادی زن از مریوان * ۴۵۴ - کمال آویهنگ، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق انسانی * ۴۵۵ - عزت دارابی، فعال سیاسی * ۴۵۶ - سهیلا بیانی، فعال سیاسی و مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۵۷ - ایرج رضایی، مددکار اجتماعی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۵۸ - اسد حیدری، مدافع برابری، فعال کمونیست * ۴۵۹ - کوروش نیکنام، زندانی سیاسی سابق رژیم اسلامی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۶۰ - یاسمین بیژن زاده، مددکار اجتماعی، فعال حقوق زنان * ۴۶۱ - ل. دانشجویی ۲۰ ساله از ایران، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۶۲ - حبیب نصوحی، علیه اسلام سیاسی، مدافع آزادی و برابری * ۴۶۳ - سعید ویسی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۶۴ - فاتح بهرامی، سردبیر نشریه اترنالیونال هفتگی * ۴۶۵ - خیات امین، فعال حقوق زنان * ۴۶۶ - شهرام عباسی، فعال سیاسی، معاون همبستگی در شهر اسن آلمان * ۴۶۷ - بهرام * ۴۶۸ - حمید تقوایی، رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران * ۴۶۹ - دلایز محمودی، فعال سنندج * ۴۷۰ - فرحناز کرمی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن از سنندج * ۴۷۱ - کاوه محمودی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن از سنندج * ۴۷۲ - خالد علی پناه، کارگر، فعال سیاسی کمونیست، مدافع آزادی و برابری از سوئد * ۴۷۳ - عبدالله علی پناه، مدافع آزادی و برابری از نروژ * ۴۷۴ - بهرام جهانبخش، فعال کمونیست، تکنیسین، فعال حقوق زن از سوئد * ۴۷۵ - ربیوار عارف، دبیر فدراسیون پناهندگان عراقی، سردبیر نشریه سکولار، زندانی سابق حکومت بعث عراق * ۴۷۶ - محمد فتاحی، فعال سیاسی کمونیست، مدافع آزادی زن * ۴۷۷ - افسانه از شهرک غرب تهران، فعال سیاسی، مدافع آزادی و برابری * ۴۷۸ - زیبا شجاعی، ۱۹ ساله، تن فروش از دبی، مدافع آزادی و برابری انسان * ۴۷۹ - آذر محملی، ۲۲ ساله، تن فروش از دبی، مخالف حکومت مذهبی، مدافع آزادی و حرمت زن * ۴۸۰ - شیلا شجاعی، ۲۵ ساله، تن فروش از دبی، مخالف حکومت مذهبی، مدافع آزادی و حرمت زن * ۴۸۱ - مستانه ایبات، دختر فراری، تن فروش، مخالف حکومت اسلامی، ۱۸ ساله از دبی * ۴۸۲ - سهراب ستوده، نویسنده و فعال سیاسی * ۴۸۳ - علی بوری، داستان نویس و شاعر * ۴۸۴ - مرتضی ظاهری از سوئد * ۴۸۵ - مستانه دنیوی، فعال سیاسی، مدافع آزادی زن * ۴۸۶ - غلام جمالی، فعال سیاسی کمونیست از سوئد * ۴۸۷ - جواد اسلم کویانی، ۱۷ ساله، معتاد از شهریار تهران * ۴۸۸ - آذر مقدم، فعال سیاسی و مدافع حقوق و آزادی زن و کودک * ۴۸۹ - جعفر جهانی، فعال سیاسی از سوئد * ۴۹۰ - سیاوش زلال از اهواز، انسان آزادیخواه * ۴۹۱ - آرمان فراکش، رئیس کمیته حقوق مدنی ایران * ۴۹۲ - سیوان رضایی، کادر حزب کمونیست کارگری، کارگر بخش موتاستاز کارخانه ولو در سوئد * ۴۹۳ - کیمیا پازوکی، فوق لیسانس پداگوژیکی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۴۹۴ - امید کاوه، زندانی سیاسی، فعال سیاسی و مدافع حقوق انسانی * ۴۹۵ - ناصر الله مرادی، مدافع آزادی و حقوق انسانی از نروژ * ۴۹۶ - خانوم سفری، مدافع آزادی و برابری * ۴۹۷ - بابک شداده، نماینده

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان از آنکارا * ۴۹۸ - علی رضا علی زاده مقدم، نماینده همبستگی در اسکی شهر ترکیه * ۴۹۹ - صادق تراب مستعدی، نماینده فدراسیون در اسکی شهر ترکیه * ۵۰۰ - نازیلا محمد حسینی، فعال حقوق زنان * ۵۰۱ - فریده ایزدی، مدافع آزادی زن از ترکیه * ۵۰۲ - جمشید صوری، فعال سیاسی از لس آنجلس آمریکا * ۵۰۳ - عثمان ویسی، فعال سیاسی * ۵۰۴ - مجید سپاسی، فعال سیاسی * ۵۰۵ - جلیل جلیلی، مددکار امور اجتماعی در لندن، مدافع آزادی و حقوق زنان و مخالف حکومت اسلامی از رزگار عبدالله، آزادیخواه از هلند * ۵۰۷ - میرا سعید، آزادیخواه از هلند * ۵۰۸ - امیر سعید، آزادیخواه از هلند * ۵۰۹ - سوما سعید، آزادیخواه از هلند * ۵۱۰ - سهیلا عبدالرحمان زادیخواه از هلند * ۵۱۱ - بکر پیدوا، آزادیخواه از هلند * ۵۱۲ - عبدالرحمان محمد حسن، آزادیخواه از هلند * ۵۱۳ - چنار میرولی، آزادیخواه از * ۵۱۴ - جواد فتح الهی، فعال سیاسی و مدافع حقوق بشر از کپنهاک دانمارک * ۵۱۵ - عماد عبدالله، آزادیخواه، فعال سیاسی * ۵۱۶ - سیروس مهدی زاده، کمونیست از فرانسه * ۵۱۷ - بصیر نصیبی، سینماگر از آلمان * ۵۱۸ - کیوان آذری، فعال سیاسی و فعال حقوق پناهندگی از بروکسل * ۵۱۹ - جهانگیر کرمی، آزادیخواه، مخالف حکومت اسلامی * ۵۲۰ - مهرداد حیاتی، آزادیخواه، فعال سیاسی از آلمان * ۵۲۱ - هلو، پ از سنندج، فعال پرشور آزادی زن، مخالف حکومت اسلامی * ۵۲۲ - محمود قزوینی، مسئول همبستگی در دانمارک، مسئول رادیو دنیای نو در دانمارک * ۵۲۳ - فرزاد ادیبی، فعال کمونیست * ۵۲۴ - منوچهر ماسوری، فعال جنبش ضد اعدام * ۵۲۵ - رضا حبیبی، نقاش و خطاط از آلمان * ۵۲۶ - اسماعیل نوزدی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و برابری * ۵۲۷ - رضا مرادیان، فعال سیاسی، مکانیک از آلمان * ۵۲۸ - حسین الهی، از سازمان جوانان کمونیست در دانمارک * ۵۲۹ - زین روشن ضمیر، مخالف سرسخت اسلام سیاسی * ۵۳۰ - احمد مطلق، تکنیسین از کانادا * ۵۳۱ - ایمان شیرعلی، فعال سیاسی از سازمان جوانان کمونیست * ۵۳۲ - صبری امیر حسینی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن از نروژ * ۵۳۳ - هادی رجیمی، فعال سیاسی کمونیست از نروژ * ۵۳۴ - بهنام محمود، فعال سیاسی، مدافع آزادی و برابری از نروژ * ۵۳۵ - لیلی قادری، مدافع حقوق زنان * ۵۳۶ - مینا بهروزی، فعال سیاسی و مدافع حقوق زنان * ۵۳۷ - سلیمان سیگارچی، کادر حزب کمونیست کارگری و فعال حقوق پناهندگی * ۵۳۸ - هادی عبیدی،

نوک کوه یخ!

فعال سیاسی، آزادیخواه * ۵۴۰-
 سیمین حمیدی از تهران، سکولار و مدافع حقوق زنان * ۵۴۱- فرزانه محمدی، فعال سیاسی، آزادیخواه و برابری طلب * ۵۴۲- ثریا ویسی، سکولار و آزادیخواه و برابری طلب * ۵۴۳- محسن کریم، فعال سیاسی از حزب کمونیست کارگری عراق * ۵۴۴- رحمان حسین زاده، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران * ۵۴۵- علی سهرانی، دانشجوی کارشناسی سیاست و مطالعات بین المللی از استرالیا * ۵۴۶- شهرام نجفی، پناهنده سیاسی از هلند * ۵۴۷- عزیز پرنیان، زندانی سیاسی سابق رژیم اسلامی، کمونیست * ۵۴۸- مهوش چرمچی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۵۴۹- فواد عبدالهی، فعال سیاسی کمونیست و مدافع آزادی زن * ۵۵۰- ک. استاد دانشگاه صنعتی شریف از تهران * ۵۵۱- یاشار از ایران، زندانی حقوق بشر اسلامی * ۵۵۲- فهیمه حمه، فعال حقوق زنان در عراق ساکن دانمارک * ۵۵۳- نرمین ناو، فعال حقوق زنان در عراق ساکن دانمارک * ۵۵۴- گلزار علی قادر، فعال حقوق زنان در عراق ساکن دانمارک * ۵۵۵- الف، دانشجو از تهران * ۵۵۶- ترانه حسینی، از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و جنبش آزادی زن، سوئد * ۵۵۷- بهزاد وثوق تهرانی، فعال کمونیست و مدافع حقوق زنان و کودکان، سوئد * ۵۵۸- محمد محمندی از اعضای کمیته کردستان کمونیست کارگری، فعال کارگری، عضو سندیکای کارگران خباز سقر * ۵۵۹- آمر سبیر، از سیدنی استرالیا * ۵۶۰- ۱۵ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه طباطبایی از تهران * ۵۶۱- لاله زندی، فعال جنبش آزادی زن، فعال کمونیست کارگری * ۵۶۲- فریده آقاجانی، فعال آزادی زن، فعال کمونیست کارگری * ۵۶۳- سفین بوکانی، فعال جنبش آزادی، برابری از وان ترکیه * ۵۶۴- رضا خردمندی، اسلو نروژ * ۵۶۵- منصور فرزاد، فعال کمونیست، مدافع آزادی و برابری * ۵۶۶- حبیبچوپانی فعال سیاسی * ۵۶۷- سردار قادری، فعال سیاسی و کارگر شرکت الکتریکی طحتمعد لدر استکهلم * ۵۶۸- بهرنگ هوشیار، تنسی آمریکا * ۵۶۹- ناصر محمدی، تنسی آمریکا * ۵۷۰- فرهاد ابراهیمی، تنسی آمریکا * ۵۷۲- فرهاد ابراهیمی، تنسی آمریکا * ۵۷۳- شهلا کلادی، تنسی آمریکا * ۵۷۴- مریم عبدلیپور، تنسی آمریکا * ۵۷۵- رینوار جبار، نویسنده و فعال سیاسی * ۵۷۶- جوتیار قادریان، فعال سیاسی کمونیست کارگری * ۵۷۷- آرمین خضری، فعال سیاسی کمونیست از ترکیه * ۵۷۸- مهوش گلپریان، مدافع آزادی زن، آزادی و حقوق کودک * ۵۷۹-

محمد نوری، تعمیرکار ماشین، مدافع آزادی و برابری * ۵۸۰- بانو نوری، کارگر آشپزخانه، فعال سیاسی * ۵۸۱- کریم مرادی، کارگر آشپزخانه، فعال سیاسی * ۵۸۲- جمال منصوری، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق انسانی * ۵۸۳- جلال گلپریان، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق انسانی * ۵۸۴- بهار خراسان زاده، فعال سیاسی و مدافع آزادی زن * ۵۸۵- خیبات امین، کارگر فروشگاه مواد غذایی * ۵۸۹- کارلا دیویس، مترجم و فعال برابری حقوق زن و مرد از هلند * ۵۹۰- ریجن - ار، فان ساوورس، کارگر بخش خدمات از هلند * ۵۹۱- موریس کولسن، عکاس و کارگر ساختمانی از هلند * ۵۹۲- مونیگ مولگ، کارگر و فعال برابری حقوق زن و مرد از هلند * ۵۹۳- مجید الف، خواننده نشریه جوانان کمونیست از ایران * ۵۹۴- پرشنگ بهرامی، فعال حقوق زن، بهیار از سوئد * ۵۹۵- بهنام ارانی، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۵۹۶- ابراهیم هوشنگی، فعال سیاسی و مدافع حقوق زن از دانمارک * ۵۹۷- علی نیت الهی فرد، فعال سیاسی و مدافع حقوق زنان * ۵۹۸- علی آقاییک زاده، فعال سیاسی و مدافع آزادی و عضو نهاد اول کودکان زنان، عضو شبکه هیچ انسانی غیر قانونی نیست از فرانکفورت آلمان * ۶۰۰- گیزلا متزگر، فعال حقوق زنان از کاسل آلمان، مسئول شبکه خانه های امن زنان * ۶۰۱- شهلا صلواتی، دانشجوی علوم سیاسی از کاسل آلمان * ۶۰۲- محمود کتابچی از نیوجرسی آمریکا، فعال کارگری * ۶۰۳- آرش حمیدی، فعال سیاسی و عضو سازمان جوانان کمونیست از تهران * ۶۰۴- بهزاد نیک نژاد، فعال سیاسی و مدافع حقوق زنان از دانمارک * ۶۰۵- رویا، مدافع حقوق زنان از دانمارک * ۶۰۶- علی البرزی، دکترای الکترونیک و کامپیوتر، عضو حزب سبز آمریکا، طرفدار حقوق زنان و کودکان * ۶۰۷- سهراب امیدی * ۶۰۸- میلاد امیدی * ۶۰۹- سارا امیدی * ۶۱۰- مهناز تفرشی * ۶۱۱- بهرام تبریزی، دانشجو کامپیوتر از سوئد * ۶۱۲- افشین کردستانی، مخالف سرسخت جمهوری اسلامی از سوئد * ۶۱۳- امید شینی، محصل و کارگر قنادی از سوئد * ۶۱۴- جنیفر فاسالو، شهر جرسی آمریکا * ۶۱۵- پروین پ فعال یک دنیای بهتر از تهران * ۶۱۶- حمید پویان، کمونیست و مدافع حقوق زنان * ۶۱۷- مزدک، دانشجوی ۲۰ ساله از ایران * ۶۱۸- علی قادری، مدافع آزادی زن در نروژ * ۶۱۹- بهرام بریزی، گوینده رادیو همبستگی در گوتنبرگ سوئد، فعال کمونیست کارگری * ۶۲۰- پدی محمودی، مدافع آزادی و برابری * ۶۲۱- جوان فریدون، مدافع آزادی و برابری * ۶۲۲- ینار محمد، شخصیت شناخته شده فعال آزادی زن،

از مسئولین سازمان آزادی زن در عراق * ۶۲۳- هیوا خضری پور، فعال کمونیست و مدافع حقوق زن از سوئد * ۶۲۴- علی قاضی، فعال کمونیست و مدافع حقوق زن از ترکیه * ۶۲۵- زنگار زاک، فعال کمونیست و مدافع حقوق زن از ترکیه * ۶۲۶- جعفر قادری، فعال کمونیست و مدافع حقوق زن از ترکیه * ۶۲۷- فتاح مامند، کادر حزب کمونیست کارگری عراق * ۶۲۸- ۱۰ نفر فعال سیاسی و مدافع آزادی و حقوق ن از ایران * ۶۲۹- کژال عزیز، مدافع حقوق زنان * ۶۳۰- کیتی موسوی، زندانی سیاسی سابق رژیم اسلامی، فعال جنبش آزادی زن * ۶۳۱- هما رادمش، متخصص کامپیوتر، مدافع آزادی و حقوق زن * ۶۳۲- افسانه حیدری، معلم از ایران * ۶۳۳- مستانه حیدری، معلم از ایران * ۶۳۴- سولماز اردشیری، دانشجو از ایران * ۶۳۵- مازیار احمدی، دانشجو از ایران * ۶۳۶- فریده اله یاری، خانه دار از ایران * ۶۳۷- هما رازی، خانه دار از ایران * ۶۳۸- نسرین مهاجر، مدافع حقوق زن لس آنجلس آمریکا * ۶۳۹- محمود محمندی، مدافع حقوق زنان لس آنجلس آمریکا * ۶۴۰- داریوش روزبه، مدافع حقوق زن لس آنجلس آمریکا * ۶۴۱- اسعد کوشا، فعال سیاسی، مسئول تلویزیون اینترنتی روزنه - آمریکا * ۶۴۲- نادر امیدیوار، مدافع حقوق زنان لس آنجلس آمریکا * ۶۴۳- سیما سعیدی، مدافع حقوق زنان لس آنجلس * ۶۴۴- احمد ثابت، فعال سیاسی * ۶۴۵- آنابید پویا مدافع حقوق زن * ۶۴۶- بهروز کریمی، فعال سیاسی * ۶۴۷- بکامیز ارژنگ فعال سیاسی * ۶۴۸- بافشین عنایت فعال سیاسی، سانفرانسیسکو * ۶۴۹- ستار نوری زاده فعال سیاسی از تگزاس * ۶۵۰- عباس عیاق، فعال سیاسی از تگزاس * ۶۵۱- سهراب وفا، فعال سیاسی از تگزاس * ۶۵۲- فریدون درشاد، فعال سیاسی از تگزاس * ۶۵۳- امیر ابطی فعال سیاسی از تگزاس * ۶۵۴- غلام تاپچی، فعال سیاسی نیویورک * ۶۵۵- سوگند سعادت، مدافع حقوق زنان از نیویورک * ۶۵۶- لیلا پناهی، مدافع حقوق زنان از نیویورک * ۶۵۷- آذر غلام، فعال سیاسی و مدافع حقوق زنان از نیوجرسی * ۶۵۸- ارسلان امجدیان از سوئد * ۶۵۹- م. زندی فر، هوادار کمونیست کارگری و برابری انسانها از آلمان * ۶۶۰- فرزاد حسن پور، فعال سیاسی از ایالت تنسی آمریکا * ۶۶۱- محسن ابراهیمی، مددکار اجتماعی، فعال سیاسی کمونیست * ۶۶۲- مریم عبدالله پور، مدافع حقوق زنان از ایالت تنسی آمریکا * ۶۶۳- وینست از تهران، دانشجو و ویلاگ نویس * ۶۶۴- مظفر محمدی، فعال سرشناس کمونیست * ۶۶۵- جمشید هادیان، معلم، مترجم زبان انگلیسی، فعال سیاسی کمونیست * ۶۶۶- فرحناز

مطیعی، مدافع آزادی و حقوق زن * ۶۶۷- اسعد حاجی حسنی، مدافع آزادی و برابری * ۶۶۸- اسرین، معلم مهد کودک از سنندج، مدافع آزادی و حقوق زن * ۶۶۹- مریم کریمی، مدافع آزادی و برابری زن و مرد از اطرش * ۶۷۰- مراد امینی، مدافع برابری انسان از اطرش * ۶۷۱- علی بهمنی، مدافع آزادی زن و مرد از نروژ * ۶۷۲- عبدالله کهنه پوشی، فعال آزادی زن * ۶۷۳- رویا درشاد، مدافع آزادی و حقوق زن از آمریکا * ۶۷۴- فرزاد حسن پور، تنسی آمریکا * ۶۷۵- اسماعیل ویسی، فعال سیاسی کمونیست، فعال و مدافع آزادی و حقوق زن * ۶۷۶- بهرام سروش، فعال سیاسی کمونیست * ۶۷۷- آنتیا فرزانه، مدافع آزادی و برابری انسانها از نروژ * ۶۷۸- کریم علی میسوری، مدافع آزادی و برابری از نروژ * ۶۷۹- عثمان یورک، آزادیخواه از ترکیه * ۶۸۰- محمد کوریسی، آزادیخواه از ترکیه * ۶۸۱- نازیم یورک، آزادیخواه از ترکیه * ۶۸۲- توفیق یوراگل، آزادیخواه از ترکیه * ۶۸۳- هاگان کوک، آزادیخواه از ترکیه * ۶۸۴- سبیله کازان، آزادیخواه از ترکیه * ۶۸۵- جلیل بهروزی، فعال کمونیست از کانادا * ۶۸۶- دشتی جمال، مسئول فدراسیون پناهندگان عراقی در بریتانیا، نماینده اتحادیه بیکاران عراق * ۶۸۷- صالح سرداری، فعال سرشناس کمونیست * ۶۸۸- عباس وهابی پری، مدافع آزادی و برابری، کویلنز آلمان * ۶۸۹- اسکندر گلنظری، استاد دانشگاه از ایران ساکن آلمان * ۶۹۰- کلایوس مای، آزادیخواه از آلمان * ۶۹۱- روزا ماری، آزادیخواه، بهیار از کلن آلمان * ۶۹۲- اسماعیل نوذری، آزادیخواه، کارشناس برق در آلمان * ۶۹۳- سروش ابراهیمی از هلند، جوانان کمونیست * ۶۹۴- کامییز دلجوان، زندانی سیاسی سابق سیاهچالهای رژیم اسلامی * ۶۹۵- لیلا شهسوند، معلم در ایران، ساکن آخن آلمان * ۶۹۶- محسن رضایی، عکاس از بلژیک * ۶۹۷- مجید پستانچی، دبیر جوانان کمونیست در هلند * ۶۹۸- حسن جلیلی، کارگر کمونیست، فعال سیاسی از آلمان * ۶۹۹- شیرین پیوسته، خانه دار از تبریز * ۷۰۰- ستاره امید، سکرتر شرکت خصوصی از تبریز * ۷۰۱- پی. اموک وانان، مدد کار، آزادیخواه از هلند * ۷۰۲- زنگار محمودی * ۷۰۳- جمال پیر خضران * ۷۰۴- آنته هدین * ۷۰۵- امین کنعانی، فعال کمونیست و از مسئولین فدراسیون پناهندگی در باکو * ۷۰۶- فوزیه مدرسی طرفدار آزادی و برابری از نروژ * ۷۰۷- مجید از تهران، فعال جنبش آزادی و برابری * ۷۰۸- فاطمه محمدی، فعال سیاسی کمونیست * ۷۰۹- محمد خضری، فعال سیاسی کمونیست * ۷۱۰- سازمان جوانان ورونیکا ریورا، مدافع حقوق زن از

نوک کوه یخ!

از ایران * ۷۹۵- بیژن کفای، فعال سیاسی و مبارز سرسخت بر علیه اسلام سیاسی از دانتارک * ۷۹۶- کریم تونده مخالف اسلام سیاسی، کارگر جوشکار * ۷۹۷- بهنام، دانشجو از ایران * ۷۹۸- آزاد احمد، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق از سلیمانیه * ۷۹۹- ساکار ساعد، مدافع آزادی و برابری حقوق زن و مرد از سلیمانیه عراق * ۸۰۰- محمد امین کمانگر، فعال سیاسی کمونیست، کارگر پست از آلمان * ۸۰۱- محمود جلیلی، فعال سیاسی کمونیست، راننده تاکسی از آلمان * ۸۰۲- شیدا مهدوی از آلمان، مدافع آزادی و حقوق زن * ۸۰۳- فرشاد پیروز، فعال سیاسی، مسئول و مجری رادیو فارسی زبان همبستگی از آلمان * ۸۰۴- هانیه پیروز، فعال سیاسی، مدافع آزادی و حقوق زن از آلمان * ۸۰۵- معصومه حاج حیدری، فعال سیاسی از آلمان * ۸۰۶- منیژه اتمانی، مدافع آزادی و حقوق انسانی * ۸۰۷- محمود حاج حیدری، از آلمان * ۸۰۸- مجید از آلمان * ۸۰۹- گلنار کمانگر از آلمان * ۸۱۰- آنجلا فدویچ، حقوقدان و فعال جنبش بین المللی زنان از سوئد * ۸۱۱- زهرا، فعال با سابقه کمونیست از تهران * ۸۱۲- خسرو دندانپزشک از تهران * ۸۱۳- حسین، دندانپزشک از تهران * ۸۱۴- علی امیدی، فعال سیاسی از سوئد * ۸۱۵- نیما خاک پور، دانشجو و عضو سازمان جوانان کمونیست از سوئد * ۸۱۶- پویا خاک پور، عضو سازمان جوانان کمونیست از سوئد * ۸۱۷- شهرام باور، فعال اتحادیه کارگری ترانسپورت سوئد * ۸۱۸- سعید دانشجو از ایران * ۸۱۹- سحر دانشجو از ایران * ۸۲۰- خسرو کارگر از ایران * ۸۲۱- امید، کارگر از ایران * ۸۲۳- ناصر، کارگر از ایران * ۸۲۴- حوا فعال با سابقه کمونیست از ایران * ۸۲۵- عاطفه، دانش آموز از ایران * ۸۲۶- شیرین، دانش آموز از ایران * ۸۲۷- میثم، دانش آموز از ایران * ۸۲۸- مهین، کارمند از ایران * ۸۲۹- پهلوان، دندانپزشک از قزوین (با تشکر از مریم طاهری از سوئد که رسیدن دستهای این عزیزان ردیف آخر لیست را از ایران به ما را مقدور کرده است) * ۸۳۰- حسن هاشم زاده، سوئد * ۸۳۱- سوسن قادر محمد، سوئد * ۸۳۲- ابن وراق، نویسنده سرشناس کتاب «چرا من مسلمان نیستم»، منتقد اسلام * ۸۳۳- بهناز دشت بزرگ، فعال فراسوی پناهندگان ایرانی * ۸۳۴- مزدک رها، فعال حزب کمونیست کارگری از سوئد * ۸۳۵- ایون رادشتام، عضو حزب سبز سوئد * ۸۳۶- نازنین نالیه، سوئد * ۸۳۷- فاطمه میلانی، گوتنبرگ سوئد * ۸۳۸- مهرداد مهرآبادی از سوئد * ۸۳۹- محمود محمدزاده، سوئد * ۸۴۰- عارف سلامت خزان، فعال سیاسی مخالف جمهوری اسلامی

مدافع آزادی و برابری از کلن آلمان * ۸۴۱- امید چوری، فعال سیاسی کمونیست از کلن آلمان * ۸۴۳- بهرام قلعه، دانشجو، مدافع آزادی و برابری از آلمان * ۸۴۴- طاهره طالب الهی از آلمان * ۸۴۵- آتیکو اریکسون، فعال حقوق زن از استکهلم سوئد * ۸۴۶- ناهید، فعال حقوق زن از سوئد * ۸۴۷- مونیکا هوفمن از حزب زنان فمینیست آلمان * ۸۴۸- ربکا شیزریشتر از حزب زنان فمینیست آلمان * ۸۴۹- علی سمکو، مدافع حقوق زن از هلند * ۸۵۰- ناهید سمکو، مدافع حقوق زن از هلند * ۸۵۱- سیا محبوب * ۸۵۲- زهرا زرین * ۸۵۳- حسین مرادی * ۸۵۴- کاترین فرج، فعال حقوق زنان از تورنتو کانادا * ۸۵۵- بیژن پوریان از سوئد * ۸۵۶- فرزانه دانش * ۸۵۷- آزاد ۱۹۱۷ از یوکان، فعال کمونیست و مبارز راه آزادی زن * ۸۵۸- علی کمالی، فعال سیاسی کمونیست * ۸۵۹- کاوه عمر دبیر تشکیلات حزب کمونیست کارگری عراق در ترکیه، مدافع آزادی زن * ۸۶۰- بهالین احمد، فعال سیاسی کمونیست از عراق * ۸۶۱- سرگل احمد، دبیر نهاد اول کودکان در کردستان عراق و مسئول واحد زنان ترکیه از کمپین * ۸۶۲- آرام هادی، فعال کمونیست کارگری عراق * ۸۶۳- (نامه جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی و اعدای از کردستان، متن کامل نامه جالب و خواندنی این خانواده ها را در کتاب مستند نوبل چاپ میکنیم.) خانواده الف-خ که به دست جنایتکاران رژیم اعدام شد. * ۸۶۴- جمعی از خانواده ر-م که به دست رژیم اسلامی ترور شد. * ۸۶۵- صابر، م، من ملت یکسال و نیم در سیاهچالهای حکومت بودم. * ۸۶۶- خانواده یک نفر کاسب فقیر از سقز که به علت فروش چای قاچاق بدست رژیم کشته شد. * ۸۶۷- خواهر یکی از اعدام شدگان (هنوز نماندهم بردارم بعد از ۱۵ سال کجاست) * ۸۶۸- مسعود ارزنگ فعال سیاسی * ۸۶۹- سلیمان بقده، عضو حزب کمونیست کارگری از کانادا * ۸۷۰- آرا صالح زاده، فعال کمونیست کارگری و مدافع حقوق زن از سردشت * ۸۷۱- هیوا صالح زاده، فعال کمونیست کارگری و مدافع حقوق زن از سردشت * ۸۷۲- فریاد شریفی، فعال کمونیست کارگری و مدافع حقوق زن از سردشت * ۸۷۳- هاله شامی، فعال کمونیست کارگری و مدافع حقوق زن از سردشت * ۸۷۴- جمیله جهانگیری، فعال کمونیست کارگری و مدافع حقوق زن از سردشت * ۸۷۵- شقایق قاضی زاده، فعال کمونیست کارگری و مدافع حقوق زن از سردشت * ۸۷۶- لیلا محمد زاده، فعال کمونیست کارگری و مدافع حقوق زن از سردشت * ۸۷۷- منصور هناره، آزادیخواه از ترکیه * ۸۷۸- رسول میمنلی، فعال کمونیست کارگری از ترکیه * ۸۷۹- حمید

بازنشسته، آزادیخواه از ایران * ۹۱۵- فاطمه محمدی، هوادار آزادی زن از ایران * ۹۱۶- رضا شیرزاد، هنرمند از باکو * ۹۱۷- آریان امیری، دانش آموز از ایران * ۹۱۸- مژگان امیری، مربی مهد کودک و فعال آزادی زن از ایران * ۹۱۹- علی محسنی، آزادیخواه و مخالف رژیم اسلامی از باکو * ۹۲۰- حسین احمدی آزادیخواه، فعال حقوق زن * ۹۲۱- فوزیه رادمه، فعال حقوق زن پرستار کانادا * ۹۲۲- ابراهیم برسن، کارگر سیاسی، مدافع حقوق کارگران مکانیک کانادا * ۹۲۳- سوما برسن، مدافع حقوق زنان و کودکان، دانشجو کانادا * ۹۲۴- ناهید کیومرثی، مدافع حقوق زنان و کودکان کانادا * ۹۲۵- رضا کیومرثی، مدافع حقوق کارگران کانادا * ۹۲۶- دنیا گلشنی، فعال حقوق انسانها از کانادا * ۹۲۷- بهروز گلشنی، فعال جنبش کارگران کانادا * ۹۲۸- گلشن گلشنی، دانشجو، فعال جنبش دانشجویان و مدافع حقوق زنان * ۹۲۹- افشین محبی، فعال کمونیست، تکنیسین کامپیوتر * ۹۳۰- آذر پویا، فعال جنبش زنان و کودکان، مددکار اجتماعی، کانادا * ۹۳۱- ایرج رضائی، کارگر کمونیست، مدافع حقوق انسانها * ۹۳۲- شهرام صنیعی * ۹۳۳- رویا امیری، مدافع حقوق زنان و کودکان، زندانی سیاسی سابق * ۹۳۴- آسیه سپهری، فعال کمپین فاع از حقوق زنان در ایران، مشاور راهمایی و مددکار اجتماعی کانادا * ۹۳۵- نسرين ارغوانی، مدافع حقوق نان و کودکان، دبیر دبستان * ۹۳۶- عمر کریمی، فعال جنبش کمونیستی، مدیر و مدد کار اجتماعی * ۹۳۷- مجید بهروزی * ۹۳۸- کاظم خودسوزنیا * ۹۳۹- فریدون البز، فعال کارگری از کانادا * ۹۴۰- امیر حسن زاده، فعال کارگری در کانادا * ۹۴۱- لیلی ناصری، مدافع حقوق زنان و کودکان کانادا * ۹۴۲- کلاسه کریمی، فعال جنبش زنان آزادیخواه، لیسانس اقتصاد * ۹۴۳- هما شادمان، مدافع حقوق زنان و کودکان، لندن کانادا * ۹۴۴- مسعود الوند، مدافع حقوق پناهندگان و مسئول فراسوی سراسری پناهندگان ایرانی، لندن، کانادا * ۹۴۵- مینا نیلو، مدافع حقوق زنان و کودکان کانادا * ۹۴۶- طوبی آریاف، مدافع حقوق زنان و کودکان * ۹۴۷- ربکا رثوف شخصیت شناخته شده جنبش آزادی زن در عراق، نویسنده و از فعالین آر- استرادیفاتیخ، مرد خانه دار و حامی جنبش آزادی خواهی مردم ایران، هلند * ۹۴۹- ای-آر- برانک، کارگر ساختمان و حامی جنبش آزادی خواهی مردم ایران، هلند * ۹۵۰- اچ- رسیدا، زن خانه دار و مدافع برابری حقوق زن مرد، هلند * ۹۵۱- اس- وی- خولوک، گارسون و

نوک کوه یخ!

آزادخواه، هلند * ۹۵۲- ناصر _
الدینی، مکانیک آزادخواه و مدافع
جنبش آزادی خواهی در ایران، هلند
* ۹۵۳- ریس- خالوانسن. تکنسیس
اطاق عمل و آزادخواه، هلند *
۹۵۴- پاتریک- دیپوتر. هماهنگ
کننده لجستیکی و هواخواه آزادی
در ایران، هلند * ۹۵۵- آنجل- تو
_ ده، مددکار اجتماعی، هلند *
۹۵۶- مازی یانه _ ویسه، دستیار
فعالتهای اجتماعی، هلند * ۹۵۷-
محسن نژاد صلاحی، برقکار و فعال
سیاسی از هلند * ۹۵۸- مهشید
شقایق، فعال سیاسی از هلند *
۹۵۹- کلارودیا میشلان، مغازه دار
و مدافع برابری زن و مرد از ایتالیا
* ۹۶۰- آلفونسو چووفینی، مدافع
آزادی و برابری در ایران از ایتالیا *
۹۶۱- فول ویوو دالبو، کارگر و از
رهبران جنبش کارگری تورینو در *
۹۶۲- ادی برونا، کارگر و فعال
شناخته شده جنبش کارگری تورینو
در ایتالیا * ۹۶۳- توفیق محمدی،
فعال سیاسی و مربی نوجوانان از
گوتنبرگ سوئد * ۹۶۴- جمال زمانی،
مدافع آزادی و برابری و مدافع
حقوق زن از آلمان * ۹۶۵- نجیبه
فاتحی کلاشی، فعال سیاسی، مخالف
جمهوری اسلامی و مدافع آزادی و
برابری از آلمان * ۹۶۶- سید
مهدی موسویان کرم، آشپز، فعال
سیاسی، مخالف حکومت اسلامی و
مدافع آزادی از آلمان * ۹۶۷-
نیلوفر یلو، مدافع حقوق کودکان و
زنان، دانشجو * ۹۶۸- احسان
بوجار، ضد اسلام سیاسی * ۹۶۹-
مینا قویدل، فعال کمپین دفاع حقوق
زن در ایران * ۹۷۰- جلال وحدتی،
فعال سیاسی * ۹۷۱- سمین قویدل،
پناهنده، مدافع حقوق زنان * ۹۷۲-
سهیلا قویدل، پناهنده و مدافع حقوق
زنان * ۹۷۳- مهناز قویدل، فعال
کمپین دفاع از حقوق زن در ایران *
۹۷۴- فخری رادمهر، فعال سازمان
آزادی زن، مدافع حقوق برابری زن و
مرد، معلم از ایران * ۹۷۵- کاظم
خودسوزنیا، فعال سیاسی و مدافع
حقوق زنان * ۹۷۶- سیروس
کمالی، فعال کمونیست، فوق لیسانس
فیزیک ذرات بنیادی و دانشجوی
دکتر * ۹۷۷- هما نیکنام، مدافع
برابری زن و مرد، فوق لیسانس
پرستاری * ۹۷۸- مهسا ریاضی،
نقاش، لیسانس هنرهای معاصر،
ضد اسلام سیاسی و نکور کانادا *
۹۷۹- شایان قربانی، پزشک اطفال
در ترکیه، مدافع حقوق کودکان و
زنان * ۹۸۰- شهلا محبوبی.
متخصص گوش و حلق و بینی،
مدافع حقوق زنان کانادا * ۹۸۱-
شیدا محبویی، رادیولوژیست از
کانادا، مدافع حقوق زنان، مخالف
اسلام سیاسی * ۹۸۲- نسریین
امامی، دانشجو داروسازی و مدافع
سکولاریسم از کانادا * ۹۸۳-

الهام نفیسی، خانه دار و مدافع
کسب حقوق برابر زن و مرد، کانادا
* ۹۸۴- نیکو نفیسی، دانشجو
داروسازی، مدافع سکولاریسم، کانادا
* ۹۸۵- مسعود فرزانه، مسئول
انجمن مارکس در تورنتو * ۹۸۶-
شیدا یعقوبی، تکنسیس اتاق عمل *
۹۸۷- روزا قائم مقانی، داندانپزشک
از کانادا * ۹۸۸- سعیده ملکی،
نقاش، مدافع حقوق زنان و نکور
کانادا * ۹۸۹- ویدا شادمهر،
دانشجو فعال حقوق زنان لندن، کانادا
* ۹۹۰- طاهره زریاف، زندانی
سیاسی رژیم اسلامی و مدافع حقوق
زنان و کودکان تورنتو، کانادا *
۹۹۱- فاطمه زریاف، فوق لیسانس
فیزیک هسته ای، مدافع حقوق زنان
و کودکان * ۹۹۲- علیرضا گشتاب،
زندانی سیاسی رژیم اسلامی و ضد
اسلام سیاسی * ۹۹۳- بهزاد کریمی،
فعال کمونیست * ۹۹۴- مسعود
آذرنوش، عضو حزب کمونیست
کارگری از ونکور کانادا * ۹۹۵-
پژمان از دانشگاه آزاد تهران، ضد
دین و آخوند * ۹۹۶- سمیرا از
دانشگاه آزاد تهران، ضد دین و
حکومت و مردسالاری * ۹۹۷- شیوا
از دانشگاه آزاد تهران، ضد دین و
حکومت، برای آزادی زن * ۹۹۸-
اکبر از دانشگاه آزاد تهران، د دین
و حکومت، مدافع آزادی زن *
۹۹۹- سیروس از دانشگاه آزاد
تهران، ضد دین اسلام و حکومت
* ۱۰۰۰- غزاله از دانشگاه آزاد
تهران، ضد دین و حکومت، مدافع
آزادی زنان * ۱۰۰۱- ارسلان ناظری،
مسئول فدراسیون پناهندگان ایرانی
در سیدنی استرالیا * ۱۰۰۲-
سیامک شعاعی، فعال کمونیست،
از مسئولین اتحادیه ارگری در نورژ *
۱۰۰۳- لاله خاکسار، معلم اخراجی
و مدافع حقوق زن، اهواز (با احترام
فراوان به هما ارجمند ه با تلاش
بیوقفه خود دسترسی این عزیزان را
به ما مقدر کرده است) * ۱۰۰۴-
فرخنده نیرومندی، دبیر ادبیات
انگلیسی، از خارک * ۱۰۰۵-
کتایون چهارلنگ، پرستار بیمارستان
شرکت ملی نفت ایران، مدافع حقوق
زنان از مسجد سلیمان * ۱۰۰۶-
فریدون چهارلنگ، کارمند شرکت
نفت، مدافع حقوق کودکان از اهواز
* ۱۰۰۷- سیما برومند، کارمند
حسابداری، مدافع حقوق کودکان از
اهواز * ۱۰۰۸- ثریا چهارلنگ،
کارمند شرکت ملی نفت ایران، مدافع
حقوق کودکان * ۱۰۰۹- احمد
نویزش، کارگر شرکت نفت آفاجری،
مدافع حقوق کودکان * ۱۰۱۰-
معصومه پاره دوز، دبیر شبی،
مدافع حقوق کودکان، از اهواز *
۱۰۱۱- لاله خاکسار، نقاش، مدافع
حقوق زنان از تهران * ۱۰۱۲-
فخری رادفر، دبیر ریاضی از تهران
* ۱۰۱۳- همایون خاکسار دبیر
زبان مدافع حقوق کودکان از تهران
* ۱۰۱۴- فرخنده ریاضی،
متخصص آزمایشگاه، مدافع حقوق
زنان و کودکان * ۱۰۱۵- فریده

مسجدی، معلم، مدافع حقوق زنان
و کودکان * ۱۰۱۶- علیرضا
مرعشی، معلم، مدافع حقوق زنان و
کودکان از دزفول * ۱۰۱۷-
محمدرضا مرعشی، بیکار، مدافع
حقوق کودکان * ۱۰۱۸- نینا
نفیسی، فعال زنان در ایران * ۱۰۱۹-
راما رادمهر، هنرمند و فعال جنبش
زنان در ایران * ۱۰۲۰- منوچهر
پویا، ضد نظام سرمایه و کار مزدی
از نورژ * ۱۰۲۱- رویا ستوده،
مدافع آزادی و حقوق زن از نورژ *
۱۰۲۲- سیروان قادری، عضو
همبستگی، فدراسیون سراسری
پناهندگان ایرانی * ۱۰۲۳- کامل
احمد، فعال سیاسی، مدافع آزادی و
حقوق زن * ۱۰۲۴- بهار منظر،
مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در
عراق از نورژ * ۱۰۲۵- حسن
احمد، فعال سیاسی، مدافع آزادی و
حقوق زن * ۱۰۲۶- آرزو صالحی،
فعال سیاسی و مدافع آزادی زن از
سوئد * ۱۰۲۷- علی احمدی نیا،
آزادخواه و مخالف رژیم اسلامی از
پاکو * ۱۰۲۸- آرمان احمدی نیا،
آزادخواه و مخالف رژیم اسلامی از
پاکو * ۱۰۲۹- امین احمدی نیا،
آزادخواه و مخالف رژیم اسلامی از
پاکو * ۱۰۳۰- پرپسا احمدی نیا،
آزادخواه و مخالف رژیم اسلامی از
پاکو * ۱۰۳۱- پرویز احمدی نیا،
آزادخواه و مخالف رژیم اسلامی از
پاکو * ۱۰۳۲- ثریا فرجاد، خانه
دار مدافع حقوق زن از آلمان *
۱۰۳۳- بیان فرجاد، فعال سیاسی،
مخالف اسلام و مدافع آزادی و
برابری از آلمان * ۱۰۳۴- فریون
فرجاد، فعال سیاسی، مخالف اسلام،
فعال یک دنیای بهتر و جنبش
منصور حکمت * ۱۰۳۵- نیلا
بقایی، مدافع آزادی و حقوق زن *
۱۰۳۶- شهلا بیگلری، خانه دار،
مدافع آزادی و برابری و مدافع
حقوق زن از آلمان * ۱۰۳۷-
حسین پیشه احسان، فعال سیاسی
کمونیست کارگری از بلژیک *
۱۰۳۸- امیر رازانی، فعال سیاسی،
آزادخواه * ۱۰۳۹- الح احمدیان،
آزادخواه از ترکیه * ۱۰۴۰- حسن
افشار، آزادخواه و فعال کمونیست
از ایران * ۱۰۴۱- نسرو وت من،
از فعالین حزب کمونیست کارگری
عراق * ۱۰۴۲- مسلم منصور،
فیلم ساز در تبعید * ۱۰۴۳- کانون
هنرهای ایرانیان آزادخواه * ۱۰۴۴-
فرزانه روغ مدافع آزادی و برابری از
ایران * ۱۰۴۵- امجد حیدری کادر
حزب کمونیست کارگری * ۱۰۴۶-
بهزاد حسینی عضو حزب کمونیست
کارگری * ۱۰۴۷- حسین کلینی
عضو حزب کمونیست کارگری *
۱۰۴۸- محبه فعال کمونیست و مدافع
حقوق زن عضو حزب کمونیست
کارگری * ۱۰۴۹- مختار محمدی،
فعال سیاسی و مدافع آزادی و
حقوق زن * ۱۰۵۰- لیلا قبادی،
روزنامه نگار و فیلم ساز از کانادا *
۱۰۵۱- امیر زاهدی، دبیر سابق
ادبیات آموزشگاه در ایران و کارگر

فولادسازی در کانادا * ۱۰۵۲-
ناصر دیدار، کارگر از ایران *
۱۰۵۳- نسترن امیدوار، مدافع آزادی
و برابری حقوق زن و مرد از ایران
* ۱۰۵۴- فریبا مشتاق فعال
سیاسی، مدافع آزادی و برابری از
ایران * ۱۰۵۵- بهزاد پروانه، دانشجو
از ایران * ۱۰۵۶- محسن دماوند،
کارمند از ایران * ۱۰۵۷- فرزانه
فروغ، کارمند از ایران * ۱۰۵۸-
فاطمه احمدلو، فعال سیاسی علیه
حکومت اسلامی، مدافع آزادی و
حقوق زن از سوئد * ۱۰۵۹- محمد
رضا آسیم، عضو حزب کمونیست
کارگری برمن آلمان * ۱۰۶۰-
داریوش امیر بیگلر فعال سیاسی
کمونیست کارگری برمن آلمان *
۱۰۶۱- معصومه صالح نژاد، پرستار
مخالف اسلام سیاسی و مدافع آزادی
زن * ۱۰۶۲- مهدی حسینی،
فعال سیاسی کمونیست کارگری برمن
آلمان * ۱۰۶۳- هوشنگ غروی
، فعال سیاسی کمونیست کارگری
برمن آلمان * ۱۰۶۴- محمد رضا
صدقگیان، فعال سیاسی کمونیست
کارگری برمن آلمان * ۱۰۶۵-
مریم کریمی، فعال سیاسی کمونیست
کارگری برمن آلمان * ۱۰۶۶-
عبدله چراغعلی، فعال سیاسی
کمونیست کارگری برمن آلمان *
۱۰۶۷- اکبر قنبری، فعال سیاسی
کمونیست کارگری برمن آلمان *
۱۰۶۸- داوود، فعال سیاسی
کمونیست کارگری برمن آلمان *
۱۰۶۹- شهناز جوامردی، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۷۰- محمد طباطبائی،
فعال سیاسی کمونیست کارگری برمن
آلمان * ۱۰۷۱- احمد رضا ایزدی
، فعال سیاسی کمونیست کارگری
برمن آلمان * ۱۰۷۲- فرزانه
عظائی، فعال سیاسی کمونیست
کارگری برمن آلمان * ۱۰۷۳-
شهرام همتی، فعال سیاسی کمونیست
کارگری برمن آلمان * ۱۰۷۴-
حسین حکیم زاده، فعال سیاسی
کمونیست کارگری برمن آلمان *
۱۰۷۵- یوسف حداد شهری، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۷۶- مهرداد جعفری، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۷۷- پدram رضازاده، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۷۸- اکبر مهرپویان، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۷۹- سارا میر شفیع،
فعال سیاسی کمونیست کارگری برمن
آلمان * ۱۰۸۰- محمد حسین
موسوی، فعال سیاسی کمونیست
کارگری برمن آلمان * ۱۰۸۱-
منیره شیر محمدی، فعال سیاسی
کمونیست کارگری برمن آلمان *
۱۰۸۲- کوروش مصدق، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۸۳- بهزاد میرزائی، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۸۴- بابک مصدق، فعال
سیاسی کمونیست کارگری برمن آلمان
* ۱۰۸۵- رسول هاشمی زاده،

فعال سیاسی کمونیست کارگری برمن
آلمان * ۱۰۸۶- کیومرث مصدق،
فعال سیاسی کمونیست کارگری برمن
آلمان * ۱۰۸۷- شعیب احمد
نور، فعال سیاسی کمونیست کارگری
برمن آلمان * ۱۰۸۸- هیرش
جعفری، فعال سیاسی کمونیست
کاتگری برمن آلمان * ۱۰۸۹-
علی اصغر شیرزادی، طرفدار جنبش
برابری زن و مرد * ۱۰۹۰- شاپور
بارکی زاده، آزادخواه، کتابفروش
* ۱۰۹۱- بابک کمارجی غلامی
، آزادخواه * ۱۰۹۲- داریوش
بارکی زاده، زندان سیاسی سابق
رژیم اسلامی * ۱۰۹۳- مهدی آقا
عباسی، دانشجو * ۱۰۹۴- پروین
صداقت، آزادخواه از ایران *
۱۰۹۵- شراره سیرجانی، زندان
سیاسی سابق رژیم اسلامی *
۱۰۹۶- شراره حدقگیان، آزادخواه
* ۱۰۹۷- شاهرخ خلیلی،
آزادخواه * ۱۰۹۸- محمد فاضل
، مهندس برق * ۱۰۹۹- علی
اکبر هادی پور، فعال کمونیست *
۱۱۰۰- نرگس اصل تهرانی،
آزادخواه * ۱۱۰۱- الهه پیمان ء
انساندوست * ۱۱۰۲- یاشار، از
آلمان * ۱۱۰۳- فرید شکرانی،
آزادخواه از ایران * ۱۱۰۴- بابک
درم بخش، عضو فدراسیون پناهندگان
ایرانی * ۱۱۰۵- زری شکرانی،
آزادخواه از ایران * ۱۱۰۶- افسر
بذرافشان، آته ایست * ۱۱۰۷-
میترا تقوی، آزادی طلب * ۱۱۰۸-
مریم قاضی، آزادخواه
(با تشکر و احترام به داریوش
بیگی که امضاء عزیزان زیادی را
ممکن کرد.)

از همه کسانی که خواهان
پیوستن به لیست امضای این نامه
سرگشاده هستند، اعم از زن یا مرد،
درخواست میکنم در تماس با ایمیل
یا فاکس مهرنوش موسوی، نام و
مشخصات خود را درمیان بگذارند.
همچنین میتوانید از طریق شماره
تلفن مینا احدی نیز با ما تماس
بگیرید.

از دوستان عزیز که از ایران
تماس میکنید، درخواست میکنم،
برای حفظ امنیت خود، یک اسم
مستعار، همانند دوستانی که اسمشان
در این لیست آمده است انتخاب
کنند، ما هم چنین سایر اطلاعات
مربوط به شغل و محل کار شما را
اگر مصرانه خواهان درج آن باشید،
چنان درج میکنم که مشکلی از
سوی رژیم اسلامی برای شما فراهم
نشود. از شما خواهان همکاری در
این زمینه هستیم. ما طی اطلاعیه
های بعدی شما را هم از لیست
اسامی جدید و هم اقدامات بعدی
خود مطلع میکنم.

ایمیل و فاکس مهرنوش
موسوی mehrouschi@aol.com
شماره

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۳۹۱۳۹

تلفن مینا احدی:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

فاکس:

شکست خوردند، ولی این چیزی از این حقیقت کم نمی کند که لنین از برجسته ترین رهبران جنبش کمونیسم کارگری است. این توضیحات را دادم تا نتیجه بگیرم که ما بین لنین و مائو جای هیچگونه انتخابی نمی بینیم که حالا به این طرف یا آنطرف «متمایل» باشیم. ما در ادامه سنت و جنبش مارکس و لنین هستیم. حال آنکه مائو به جنبش دیگری تعلق دارد.

شون (از ایران؟) جوگی در اینترنت

«یک خبرنگار خارجی که به ایران رفته بود از یک مسجد دیدن میکند و مردمی را می بیند که قابلمه بدست برای غذا صف کشیدن. از یکی میپرسد: مگر اینجا مسجد نیست؟ مگر مردم نباید اینجا نماز بخوندند؟ طرف جواب میدهد: آگه نماز جماعت میخوای برو دانشگاه تهران. خبرنگار میگه: ولی تکلیف تحصیلات چی میشه؟ تحصیلکرده ها کجا میرن؟ طرف میگه: آگه منظورت روشنکردن و دانشجو و استاد است، برو که سر ی به زندان اوین بزنی. خبرنگار میگه پس جنایتکارا و خلافکارا رو چی کار میکنی؟ طرف میگه: زکی! پس کی مملکت و بگردونه!!!»

صفحه ۱۳

حزب کمونیست ایران را بنیاد گذاشتند. نکته مهم این است که حزب کمونیست کارگری گرچه به این تاریخ تکیه دارد و محصول آن هست، ولی اساسا پاسخی است به سرمایه داری معاصر و بویژه اوضاع پس از فروپاشی شوروی و فراهم شدن شرایط تاریخی برای عروج مجدد کمونیسم کارگری و مارکسی در سطح جهان. برای مطالعه در این زمینه منصور حکمت مطالب زیادی دارد. از جمله «مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری» که بعد از تشکیل حزب نوشته شده است.

سوال دوم: مائو رهبر جنبش عظیم و انقلابی مردم چین برای رهایی از یوغ استعمار و فئودالیسم بود که طبعاً آنوقت ها مد بود هر جنبش رادیکال خود را مارکسیست بنامد. مائو چیزی جز پدر کمونیسم بورژوازی چینی نیست. کمونیسم بورژوازی که پایه مادی آن سرمایه داری دولتی چین بوده و هست و حالا حتی دیگر بورژواها هم جز در مواقعی که بخواهند کمونیسم را خراب کنند به آن کمونیسم نمی گویند! در حالیکه لنین رهبر انقلاب کارگران روسیه برای رهایی از یوغ سرمایه داری و بنای جامعه سوسیالیستی است. گرچه کارگران روسیه بعد از مرگ لنین و در مرحله حساس بنای اقتصاد سوسیالیستی از جنبش بازسازی سرمایه داری دولتی و ملی روسیه (به رهبری استالین)

شما شدم (احتمالا گروه جوانان کمونیست در یاهو منظورشان است) با یکی از بچه ها آشنا شدم که چند تا کتاب از حزب به من داد. دوتا سوال دارم و یک تقاضا: ۱) این حزب از کدوم حزب منشعب شده است؟ ۲) شما به کدوم طرف مایلید: لنین یا مائو. و تقاضایم اینه که یک یا دو تا مقاله راجع به کنفرانس برلین معرفی کنید.»

خوش آمدی هومان عزیز. از آخری شروع کنیم. «درس های بدیهی برلین» از منصور حکمت، که در سایت بنیاد حکمت هست، اثر خوبی است برای شروع مطالعه در مورد کنفرانس برلین.

سوال اول: حزب کمونیست کارگری ایران از هیچ حزبی منشعب نشده است. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ سال پیش تشکیل شد. اما کادرها و اعضای آن در آن مقطع اساسا کسانی بودند که اکثریت رهبران و کادریهای حزب کمونیست ایران را تشکیل میدادند و حزب کمونیست را ترک کردند و به حزب کمونیست کارگری پیوستند. حزب کمونیست کارگری ادامه همان جریان سیاسی و مارکسیستی هست که با محفل سهند (۱۳۵۷) و بعد گروه اتحاد مبارزان کمونیست آغاز به کار کرد. در سال ۶۱ (اگر اشتباه نکنم) کومه له اساس نظرات اتحاد مبارزان کمونیست را پذیرفت و این دو گروه (بعلاوه برخی گروهها و منفردین دیگر)

«پسرخاله» از تهران هنوز بارون میاد!

«پسرخاله» طی یک سلسله نامه به بهرام مدرسی لحظه به لحظه قبل از تظاهرات ۱۶ آذر را تصویر کرده است. آخرین نامه او: «درود. هنوز بارون میاد. فردا دانشجو ها از یک و نیم بعد از ظهر تجمع میکنند. آگه مثل پارسال باشه تا ساعت ۳ دست تحکیمی هاست و بعد کنترل از دستشون خارج میشه. خاتمی اسمال هم نمی خواد بیاد چون شنیده که پارسال مرگ بر خاتمی گفتند. بدرود تا فردا بعد از ظهر!»

در نامه ای دیگر: «بهرام جان نمی دونی وقتی میل شما رو دیدم چقدر خوشحال شدم. باور نمیکردم به این زودی پاسخ بدید. من از ۳ سال پیش با شنیدن ناگهانی صدای روانشاد منصور حکمت در رادیو (انترناسیونال) آشنا شدم. همون موقعه هایی بود که تازه صدای ایران سلطنت طلبا راه اندازی شده بود. منصور حکمت تبدیل به یک بت برام شده بود. آرزو داشتم ببینمش و باهاش صحبت کنم تا اینکه نمی دونم به چه علتی رفت!.. من ۲۸ سال دارم و ...»

هومان کامیار ایران لنین یا مائو؟

«سلام من تازه عضو گروه

نامه های شما

مجید امیدی ایران شیرین عبادی نمی شنوید!

«زنده باد منصور حکمت. زنده باد حزب کمونیست کارگری. ما مردم آزادیخواه و برابری طلب حمایت خود را از حزب کمونیست کارگری و سازمان آزادی زن در میتینگ اعتراضی ۹ و ۱۰ دسامبر را اعلام میداریم. و اعلام میکنیم شیرین عبادی نماینده زنان ایران و مردم ایران نیست. بلکه او نماینده مشتی (موجودات) ارتجاعی که مثل بختک روی سر مردم افتاده اند است. شیرین عبادی تو فریاد مردم را نشنیده ای. تو ۲۵ سال خفقان را ندیده ای. تو فریاد دانشجو و فریاد معلم و فریاد کارگر را نشنیده ای. الحق که شما نمی شنوی.»

یک دانشجو تهران پلاکارد سرخ افراشته شد!

«پلاکادهای سرخ در حمایت از کارگران پتروشیمی و شعار آزادی و برابری و اعتصاب کارگران (امروز ۱۶ آذر) برافراشته شد. جوونهای از جون گذشته این کار رو کردند.»

از صفحه ۹

ریشه کجاست؟

و حقوقی و انسانی با استفاده از جهانشناسی علمی و تکامل، سوسیالیسم و عدالت و انسان خواهی اش، یا ابزار فنی و تکنولوژی موجود در عصر ارتباطات و ماهواره و اینترنت و... این راه را ادامه داد. — باید روشن ساخت که اسلام سیاسی و حکومتی به همراه عوامل سرمایه و جهل و ارتجاع سنگر موثری علیه ترقیخواهان و انقلابیون بوده اند. که اگر مردم بیدار شوند زیر بار ظلم و خرافات نخواهند رفت و آنان عواید و زندگی مرفه و انگلی خود را از دست خواهند داد. باید روشن ساخت که همواره مذهب اسلحه توانانی بدست هیات های حاکمه زمانه بوده، که با اشاعه افکار و اعمال و احکام و باورهای خرافی و ضد انسانی به تحمیل مردم پرداخته و سود برده اند. — چرا در خاورمیانه و دور و برش (این منطقه تاریخی پیغمبر خیز) مردم در کشورهای نظیر ایران، عراق، پاکستان، عربستان، بنگلادش، افغانستان و... به توسعه و حقوق

ملی و مستقلی اگر بخواید موجودیت خود را اثبات کند باید هزار بیشتر از کرده کارگر ایرانی کار بکشد تا با سودآوری جهانی سرمایه رقابت کند. او نشان داد که چنین بورژوازی هزار بار بیشتر باید اختناق و سرکوب راه بیندازد تا بتواند چنین استثمار بدوی را سازمان بدهد. جمهوری اسلامی و شرایط برده وار و اختناق بی سابقه ای که به وجود آورده چیزی جز اثبات تزه های مارکسیستی حکمت نبود. بنظرم کتاب «اسطوره بورژوازی ملی مترقی» حکمت مبنای علمی، مادی و مارکسیستی درستی برای درک تاریخ معاصر و انکشاف سرمایه داری ایران را بدست میدهد. همین اثر همچنین نشان میدهد که چگونه هرگونه تحول آزادیخواهانه و به نفع توده های مردم در ایران فقط میتواند یک تحول سوسیالیستی باشد. خواندن دقیق این کتاب نه فقط برای درک «ریشه» های مسائل امروز ایران، بلکه برای داشتن تصور درست از تحولات آتی و مسیری که حزب کمونیست کارگری دنبال میکند بسیار ضروری است. با ارادت، مصطفی صابر.

قدری شبیه محسناتی است که چپ سنتی سال ۵۷ در باره «بورژوازی ملی و مترقی» برمیشمرد که گویا صنعت مملکت را راه میانرازد، درستکار است و اهل بچاپ بچاپ نیست، «مستقل» است و غیره. واقعیت اینست که رشد و پیدایش سرمایه داری در ایران همین بوده که اتفاق افتاده است. سرمایه داری ایران همین میتوانسته باشد که در جهان سرمایه داری امروز و تقسیم کار جهانی شده است. مگر منظور از اقتصاد در بحث شما نوع دیگری از اقتصاد باشد، یعنی سوسیالیسم باشد که اتوق جور دیگری باید تعریف میشود. در خوشبینانه ترین حالت نوشته شما در این مورد کلیدی مبهم و ناروشن است.

این یک آرمان بورژوازی و خرده بورژوازی اپوزیسیون شاه بود، که سهم خواهی خود در قدرت را با آرمانهای «استقلال»، «خودکفایی»، «اقتصاد صنعتی» و غیره توجیه میکرد. و چه خلقی و خرده بورژوازی ایران این توهمات بورژوازی ملی و مستقل را باد میزد. منصور حکمت در جزوه «اسطوره بورژوازی ملی و مترقی» بطور علمی و مارکسیستی ثابت کرد که چنین تصویری تا چه حد توپیک، غیر مارکسیستی و ارتجاعی است. او نشان داد که اتفاقا چنین بورژوازی

به امید روزی که دین فقط امر خصوصی افراد باشد و بس. و هرکس آزاد باشد که اندیشه خود را بیان و تبلیغ کند. بابک از ایران.

یک نکته در حاشیه ریشه کجاست!

بابک عزیز! نکات جالب و بحث برانگیزی را مطرح کرده ای و از خوانندگان دعوت میکنم وارد بحث شوند. با تمرکز بحث تو بر اسلام بعنوان یک عامل ضد بشری و ارتجاعی در اوضاع ایران طبعاً کاملا موافقم. بر ضرورت رنسانسی هم که میگوئی اعتقاد دارم. خلاصه خیلی نکات هست که توافق دارم. ولی در یک نکته اصلی و محوری فکر میکنم اختلاف داشته باشیم. آنجا که راجع به اقتصاد صحبت میکنید، گویا اوضاع امروز ایران ناشی از مشکل «اقتصاد دلایی»، «بیمار»، «تجاری» و «غیر تولیدی» بوده است. گویا اگر یک اقتصاد «تولیدی»، «سالم»، «صنعتی» و «غیر دلایی» میبود اوضاع اینطور نمی شد. اینها

انسانی دست نیافته اند؟ آیا دلیل عمده اش اسلام سیاسی و حکومت خواه نبوده؟! با توجه به اینکه اسلام از بدو پیدایش بنبنال قدرت و حکومت بوده که به قولی ذکات و جهاد فقط برای همین در این دین است، چطور برخی از به اصطلاح نو اندیشان دینی داعیه سکولار بودن دارند؟ باید روشن ساخت که سکولار واقعی و رادیکال یعنی کوتاه کردن دست دین و مذهب از کلیه شئون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی، دولتی، قضایی، قانونگذاری و... — باید روشن ساخت که اسلام سیاسی و حکومتی (بر خلاف نظر خانم عبادی) در تضاد کامل با حقوق بشر است. چنانکه در این مدت حکومت مذهبی چهره زشت و ضد انسانی و ضد آزادی اسلام سیاسی را نشان داد.

در پایان: بحث در باره اینکه اسلام واقعی کدام است و چه برداشت و قرآنتی از اسلام واقعی تر است و اینکه آیا با آنچه در قرآن و سنت آمده و میتوان تفاسیر روشنفکرانه! ملدن و باب روز ارائه داد، چنانکه داده اند، را در نوشته دیگری ادامه خواهیم داد. با درود به تمامی آزاد اندیشان و

از صفحه ۱۲

نامه های شما

با یک رشید تهران
۱۶ آذر و الف لام میم!

چند نامه فرستاده اند. از جمله در باره ۱۶ آذر مشاهدات خود را در جلو دانشگاه تهران شرح داده اند که چطور اعتراضات امسال ابعاد پارسال را نداشت و چگونه نیروهای انتظامی همه جا را قرق کرده بودند. در بخشی از نامه شان نوشته اند: «تنها مساله ای که امروز ما را از ناراحتی وضعیت موجود و نفرتی که از دیدن مزدوران به خصوص لباس شخصی های ریشو و بیسیم و چماق بدست کمی آرامش داد و خوشحال کرد دیدن یک تابلو در داخل دانشگاه بود که از پشت میله ها بخوبی مشخص بود به طول ۶۰ و عرض ۴۰ سانت که به رنگ کاملاً قرمز که در بالایش نوشته شده بود: «آزادی، برابری» و در زیر آن نقش های زیبایی دو ساعد با مشت بود که زنجیری را پاره کرده بودند که به احتمال ۹۰ درصد کار طرفداران حککا بوده است.»

در نامه دیگری از جمله نوشته اند: «... یک شوخی: فکر کنم در مورد اسلام به درجه اجتهاد و فتوا دادن رسیده و حتی میتوانم تفسیر کنم! مثلاً تفسیر و منظور و معنی الف لام میم که در قرآن آمده، (حرف اول اسم رهبران کمونیسم) انگلس، لنین و مارکس بوده است!!!!»

مهران عظیمی تهران اعدام یک زن

خبر روزنامه اعتماد را برایمان فرستاده اند که از مقدمات اعدام یک زن بنام ماندانا نیکپور خبر میدهد. او متهم به قتل است که در جریان زد و خورد باندهای قاچاق مواد مخدر رخ داده است. ماندانا چنین اتهامی را انکار میکند. در هر حال اعدام انسانها بهر دلیل و تحت هر شرایط ممنوع و محکوم است.

آرش و آگام ایران میخواهیم با شما کار کنیم

آرش و آگام، ۲۳ و ۲۶ ساله، از یکی از شهرهای کردستان طی نامه هایی خواهان همکاری با نشریه و سازمان جوانان کمونیست شده اند. این رفقا حدود ۲ سالی هست که با حزب آشنا شده اند. دوستان عزیز خیلی خوش

آمدید. نامه های شما جهت فعالیت تان با سازمان جوانان کمونیست در اختیار بهرام مدرسی دبیر این سازمان قرار گرفت. برای همکاری با نشریه همانطور که برایتان نوشتم، مشتاق دیدن نوشته ها تان هستیم.

آناهیتا از ایران (خبر بسیار مهم)

«سلام عزیز، یک خبر بسیار مهم. روز جمعه هفته گذشته بچه های یکی از دانشگاههای مشهد به اردو رفته بودند. آنجا در حالیکه دوربین حراست آنها را تحت نظر داشت دختر و پسرها دست هم را گرفته و بالای کوه میرفتند. در حالیکه به هم تکیه داده بودند باهم پاسور بازی میکردند. حتی داخل رود (?) شدند همدیگر را در آغوش گرفته میبوسیدند و روز بسیج تبدیل به روزی برای شکستن آپارتاید جنسی شد.»

آرش حمید ایران کنگره ۴ و دانشجویان

طی پیام مفصلی به کنگره ۴ حزب نظرات خود را ابراز داشته اند. (مشروح نامه ها به کنگره در روزنه موجود است.) از جمله در بند سوم پیامشان پلاتفرم ماندنی برای فعالیت در عرصه دانشجویی طرح کرده اند: «۳- جنبش دانشجویی بیشتر تا کنون به صورت پیاد نظام جنبش اصلاحات عمل کرده است. اما یکی دو سال است که کمیت فعالین کمونیست در داخل دانشگاهها افزایش یافته است. اما این فعالین هنوز آنچنانکه باید متشکل نیستند برنامه منظمی ندارند. این برنامه کاری باید با متشکل شدن این فعالیت تحت رهبری حزب و سازمان جوانان کمونیست صورت گیرد. در مورد عمده پراتیکی که باید توسط فعالین کمونیست در دانشگاه پیگیری شود ذکر چند نکته ضروری است:

الف: حضور در تمام مبارزات سیاسی و صنفی و رهبری مبارزات دانشجویی؛

از هر گونه کار محفلی باید پرهیز شود. فعالین ما باید در رأس مبارزات و در جمع توده های دانشجویان قرار گیرند و ابتکار عمل را از انجمن های اسلامی در دانشگاهها بگیرند. این امری است که رسیدن به آن دور از دسترس نمی باشد. ب: پیوند مبارزات دانشجویی با مبارزات کارگری. فعال کمونیستی باید در دانشگاه با هویت چپ و کارگری و ادبیات خاص خویش ظاهر شود. اخبار اعتراضات کارگری

باید توسط فعالین ما به اطلاع تمام دانشجویان برسد. بیانیه هایی هم که از سوی ایشان منتشر میشود می بایست دفاع از اعتراضات کارگری را به طور واضح نشان دهد و به اعتراضات کارگری بپیوندد. وجه کمونیستی فعالیت ما باید در تمام عرصه های دیگر نظیر نشریات دانشجویی و شعارهای تجمعات خود را نشان دهد.»

خوانندگان را به بحث و اظهار نظر حول نحوه فعالیت کمونیستها در دانشگاه و نکات آرش دعوت میکنیم.

جمال صابری از ژاپن در زندان مخوف

جمال صابری دوست عزیز ما از ژاپن طی یک تماس تلفنی از زندان خبر داد که هنوز در زندان است. او گفت که تعداد زیادی پناهنده و از جمله ایرانیان در زندانهای ژاپن به سر میبرند و فعالیت جدی و موثری برای رهایی آنها وجود ندارد و سازمان ملل هم توجه ای به سیاست ها و اقدامات راسیستی دولت ژاپن ندارد. جمال صابری که اکنون مورد حمایت فدراسیون پناهندگان ایرانی و برخی سازمانهای ژاپنی است، امیدوار است که نه فقط خود بلکه «چند هزار» پناهنده بی پشت و پناه و فراموش شده در زندانهای ژاپن نجات یابند.

وبلاگ یک دنیای بهتر امید کوچولو

دوست عزیز یوسف ر. نویسنده وبلاگ یک دنیای بهتر مطالب زیباییشان را برای ما فرستاده اند. از جمله نوشته ای در مورد امید کوچولو که بخاطر ضرباتی که گفته میشود از سوی مادر او وارد شده، در اعضاء و مرگ مغزی فرو رفته است. یوسف ر. ضمن متهم کردن جمهوری اسلامی و سرمایه داری برای چنین فجایعی گفته است که مادر امید را متهم نمی داند. آدرس وبلاگ: <http://aram.turbsite.net>

ک. م. از ایران برای دوستان بفرستید

تعداد زیادی آدرس ئی میل برای ما فرستاده اند و خواسته اند که نشریه جوانان کمونیست را برایشان بفرستیم. با تشکر بسیار، این ئی میل ها را برای امید حدا بخشی که مسئول توزیع اینترنتی نشریه هستند ارسال میکنیم.

مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست

۱۶ آذر ۱۳۸۲

اطلاعیه خبری شماره ۱ تا ۴

نمیشه، خاتمی ننگت باد و مرگ بر دیکتاتور.

نیروهای امنیتی رژیم از خیابان ۱۶ آذر تا جملزاده را قرق کرده اند.

اطلاعیه شماره ۳ دانشگاه اصفهان

بنابر اخبار رسیده از اصفهان، امروز دانشجویان دانشگاه اصفهان در کلاسهای درس شرکت نکرده و کل دانشگاه به تعطیلی کشیده شد.

دانشجویان در تجمعات خود در رابطه با اوضاع سیاسی ایران به بحث و تبادل نظر میپردازند. این تجمعات از ساعت ۲ تا ۸ بعدازظهر ادامه داشتند.

تعداد زیادی از تراکتها و اعلامیههای حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست به مناسبت ۱۶ آذر در این تجمعات دانشجویان به چشم میخوردند.

اطلاعیه شماره ۴ مشهد

بنابر اخبار رسیده از مشهد به مناسبت ۱۶ آذر تریبون آزاد با شرکت بیش از ۵۰۰ نفر در دانشگاه فردوسی برگزار شد. سخنرانان در این تریبون آزاد به اوضاع سیاسی پرداخته و احکام صادر شده از طرف کمیتههای انضباطی را محکوم و خواهان لغو فوری آنها شدند. شرکت کنندگان همچنین خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی شدند.

مدتی پس از این تریبون آزاد، میدان تقی آباد و خیابانهای اطراف آن شاهد حضور تعداد زیادی از مردم و جوانان بود. نیروهای امنیتی رژیم اسلامی که در اکثر نقاط این محل مستقر بودند به مردم و جوانان حمله و عده ای را دستگیر کردند. شعارهای تظاهرکنندگان در این محل از جمله زندانی سیاسی آزاد باید گردد، آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه و مرگ بر خامنه ای بودند. فضای شهر مشهد کماکان متشنج است.

دانشگاه تهران

بنابر اخبار رسیده تعداد بیش از ۱۵۰۰ تن از دانشجویان موفق شده اند که خود را به داخل دانشگاه تهران برسانند. تعداد زیادی از مردم و جوانان به بهانه اینکه دانشجوی دانشگاه تهران نیستند از محیط دانشگاه بیرون شده اند. تعداد بیشتری از جوانان و مردم در محیط اطراف دانشگاه تهران در رفت و آمد هستند. مغازه های اطراف دانشگاه به تدریج بسته میشوند. نیروهای امنیتی رژیم اسلامی تمام خیابانهای اطراف را در کنترل خود دارند. هوای خوب و آفتابی امروز تهران مردم بیشتری را به جلوی دانشگاه تهران کشانده است.

دقایقی پیش پلاکاردهای بزرگی با شعارهای آزادی و برابری و شعارهای دیگری در حمایت از اعتصابات کارگران پتروشیمی برافراشته شدند.

اطلاعیه شماره ۲ دانشگاه تهران

بنابر اخبار رسیده دانشجویان هنوز در داخل دانشگاه هستند. در مقابل دانشکده فنی پلاکاردهای بزرگ قرمزی با شعارهای آزادی و برابری و شعارهایی در حمایت از کارگران پتروشیمی به چشم میخورند. دانشجویان تظاهراتشان را از مقابل تالار چمران آغاز کردند. اعضای انجمن اسلامی که تلاش داشتند از حرکت دانشجویان به سمت درب اصلی دانشگاه جلوگیری و آنرا به سمت درب غربی بکشانند، مورد تعرض و حمله شدید دانشجویان قرار گرفتند. خبرنگار رادیو و تلویزیون رسمی رژیم اسلامی مورد هجوم دانشجویان قرار گرفت و پا به فرار نهاد.

دانشجویان معترض با رسیدن به درب اصلی دانشگاه تهران شعارهایی علیه رژیم اسلامی سر دادند که تعدادی از آنها عبارت بودند از توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد، سیدعلی پینوشه! ایران شیلی

این بشر استمار گر!

بحثی با آقای داریوش آریان

مصطفی صابر



دوست جوان ما داریوش آریان مدت کوتاهی است که در گروه جوانان کمونیست در یاهو مباحثی را بقول خودشان از زوایه «لیبرال دموکراسی» مطرح میکنند. در نامه ای از او خواستم که وارد بحث شوم و برای شروع پیشنهاد کردم پاسخ من به «دختر صورتی» در شماره ۱۱۶ را بخوانند و نظر خودشان را بگویند. داریوش عزیز لطف کرد و این کار را انجام داد و جوابیه ای شان را در گروه منتشر کرد و در نامه ای مرا به آن ارجاع داد. ضمن تشکر، جوابیه شان عینا اینجا می آید:

«با درود!

دوست گرامی، نظر مرا خواسته بودید. نشریه شما را خواندم. همان چیزی بود که انتظارش را داشتم. به نظر من، دیدگاه های شما ایده آلیستی است. جنگ ها هم پیش از آنکه به دلیل تفاوت های نژادی و مذهبی و غیره باشد، بخاطر بدست آوردن قدرت بیشتر اتفاق می افتد. اگر بهانه ملیت را نداشته باشند، براحتی بهانه دیگری پیدا میکنند. اینکه ما در این مملکت ها سرایزم، کارگریم، در هر سیستمی اینطور است. در سیستم کمونیستی هم مردم کارمند، کارگر و... هستند و توسط سران کمونیست استثمار میشوند.

دوست عزیز، فرقی نمی کند. هر انسانی که به قدرت میرسد، برای بدست آوردن قدرت بیشتر، در پی استثمار دیگران برمی آید. حالا در بعضی سیستم ها خیلی کمتر (مثل دموکراسی) و در بعضی خیلی بیشتر (مثل حکومت های ایدئولوژیک). این بستگی به میزان وطنپرستی و فرهنگ مردم یک جامعه و نیاز قدرت قانون دارد. هرچه قدرت بیشتر دست مردم باشد، حاکمان بیشتر تحت کنترل بوده و بیشتر به فکر مردم خواهند بود. صاحبان قدرت هم منافع خود را در راستای منافع مردم قرار خواهند داد. موفق باشید، داریوش.»

داریوش عزیز! بگذار ابتدا اینرا تصریح کنم که بحث من در ۱۱۶ این نیست که جنگ

بر میخیزد: مثلا فاشیسم. که همین نظریه را تا آنجا کش میدهد که گویا اصولا بعضی نژادها جنس و ذات بهتری دارند برخی فقط بدرد استثمار شدن و بیگاری میخورند! یا نیهیلیسم و پوچ گرایی: که هیچ راهی برای برون رفت از این سرنوشت مقدر انسان استثمارگر و استثمار شونده پیدا نمی کند و دست آخر با کلی ادعا و قمیز و پیف پیف اعلام میکند که همه این چیزها پوچ است. و یا...

استثمار و تاریخ

سوالات البته خیلی بیشتر است. نظریه «فرق نمی کند، انسان ها قدرت طلب و استثمار گرند»، توضیح نمی دهد که چرا در مقطعی از تاریخ اصولا استثمار وجود ندارد. منظورم وقتی است که تولید بشری بحدی نازل است که امکان اضافه تولید بر نیازهای شخصی، و بعد تصاحب این اضافه تولید توسط دیگری (که همان استثمار باشد) غیر ممکن است. معلوم نیست چرا انسان قدرت طلب و ذاتا برتری جو و استثمارگری که تو توصیف میکنی برای دهها هزار سال قادر نیست به این آرزوی شوم خود برسد. بعلاوه نظریه فوق توضیح نمی دهد چرا استثمار سرانجام ممکن میشود. منظورم وقتی است که ابزار و سازمان تولید اجتماعی آنقدر پیشرفت میکند که یک انسان قادر به تولید بیش از نیازهای بلافصل خود است. بعلاوه نظریه تو توضیح نمی دهد که چرا اشکال استثمار در طول تاریخ تغییر کرده است؟ چرا استثمار در ابتدا در شکل انواع برده داری ظهور میکند؟ چرا بعدا این شکل شنیع و وحشیانه استثمار رسمی افتد؟ چه نیرویی آن انسان ذاتا استثمارگر و قدرت طلب را مجبور میکند از برده داری که صریح ترین و ظالمانه ترین شکل استثمار است کوتاه بیاید؟ و چرا بعد باز (بویژه در جوامع اروپایی) به یک شکل معین از استثمار، یعنی مناسبات ارباب و رعیتی میرسیم؟ چرا حتی این شکل هم بعد ها ور می افتد؟ کدام نیرو ارباب های خونخوار و ظالم و کشیش ها و شاهان و شوالیه ها و سلاطین و امپراطورهای قرون وسطی را مجبور میکند که از تخت عاج و مقام الهی شان پایین بیایند و سفره های رنگین شان را جمع کنند؟ بالاخره چرا امروز به شکل معینی از استثمار در سطح جهان رسیده ایم که در آن کارگر ظاهرا آزاد است که نیروی کارش را به هرکس میخواهد بفروشد، اما واقعا برده

اینکه سرنوشت وحشتناکی برای بشریت است. این توجیه قانون جنگل فعلی و ازلی و ابدی شمردن آنست. این درست همان توضیحی است که از زبان «لیبرال دموکراتها» و آخوندها به یکسان میشنویم: «تا بوده همین بوده»، «این ذات انسان است»، «همیشه فقیر و غنی بوده»، «مگر دارا از سر لطف و عطوفت و عشق به خدا از مال خود به دیگر بخشید»، «مگر فرهنگ مردم بالا برود که وضع بهتر بشود». اما همینجا سوالات جدی و البته بی جوابی مطرح میشود.

معلوم نیست که چرا در پیش چشمان خودمان می بینیم که موقعیت این قدرت طلبان فرق میکند؟ (مثلا شاه سقوط کرد!) معلوم نیست چرا طبق گفته خودت در بعضی سیستم ها انسانها یک کمی کمتر قدرت طلبند و در برخی بیشتر؟ بالاخره فاکتور نهایی تعیین کننده چیست؟ ذات انسان؟ یا سیستمی اجتماعی که میتواند (ولو بقول تو «تا حدودی») این قدرت طلبی را مهار کند؟ اگر این ذات انسان منشاء قدرت طلبی و استثمار است، میشود پرسید چطور این ذات انسان شکل میگردد؟ چرا قدرت طلب است؟ آیا خداوند باریتعالی و یا قوانین تکامل طبیعی چنین مقدر کرده است؟ همینطور این سوال مطرح است که اگر یک سیستم اجتماعی مفروض میتواند بقول تو قدرت طلبی را تا حدودی مهار کند، چرا نتواند تماما مهار کند؟ کی گفته است استثمار سرنوشت محتوم انسان است؟ آیا به نظر تو تلاش برای از بین بردن استثمار «ایده آلیستی» و غیر واقعی و پوچ است و در عوض پذیرفتن نظریه ازلی و ابدی بودن استثمار، قبول این انسان بد ذات قدرت طلب، و سپس حداکثر کوشش کردن برای اینکه استثمارگر خوب و مهربان شونده متمدن و با فرهنگ و دموکراتی باشیم، یک نظریه واقعی و راهگشا برای انسان و مصائب او است؟! آیا توجه داری همین نظریه ازلی ابدی بودن استثمار و ذات قدرت طلب و استثمارگر انسان، جوهر واحد تمامی نظریاتی است که وضع موجود را توجیه میکند و به دفاع از طبقه استثمارگر موجود

بدلیل تفاوت های ملی صورت میگردد. اتفاقا آنجا تاکید دارم که چه جنگ و جدال برای حفظ مرزها و کشورها و «دفاع از کیان ملی» و چه اصولا خود تقسیم کردن انسانها به ملت ها و کشورها و سیم خاردار کشیدن دور کوهها و رودها و دشتها، چه حرص و جوش برای «آبروی ایرانی» خوردن و غیره، همه و همه در خدمت حفظ موقعیت «بورژواهای محترم» بعنوان آقا و فرمانروای جامعه فعلی و استثمار کارگر مزد بگیر است. حتی «جنگ برای کسب قدرت بیشتر» که تو مطرح میکنی در دنیای امروز نهایتا در این چهارچوب قابل توضیح است. بگذار بحث را از همینجا شروع کنیم.

ذات قدرت طلب انسان

هیچوقت پرسیده ای چرا بقول تو «انسانها قدرت طلب اند»؟ چرا برای قدرت باید جنگ کنند؟ اصولا این مقوله قدرت از کجا پیدا میشود؟ تو که فکر میکنی راه حل های ما ایده آلیستی است، میتوانی توضیح مادی، خاکی و واقعی از این «انسان قدرت طلب» بدست بدهی؟ جوابی که شما در این نوشته داده این است: «انسانها اصولا قدرت طلب اند». یعنی مساله قدرت را اساسا با ذات انسان توضیح میدهی. عین جمله خودت اینست: «فرقی نمی کند. هر انسانی که به قدرت میرسد، برای بدست آوردن قدرت بیشتر، در پی استثمار دیگران برمی آید.»

خب، نتیجه ای که باید گرفت این است که انسان ها بنا به ذات خود برتری جو، استثمارگر، و خیلی چیزهای بدتر هستند.

مزد است و شلاق برده دار باستان حالا جایش را به گرسنگی او و همسر و فرزندانش داده است؟ اگر اشکال استثمار ذاتا در حال تغییر بوده است، اگر استثمار آغازی داشته است، چرا بعد از این تحول و تغییر نداشته باشد، چرا پایانی نداشته باشد؟

فقط مارکس پاسخ دارد

داریوش جان، تو چه خواهی و چه نخواهی، این فقط مارکس است که پاسخ دقیق و همه جانبه ای به این سوالات بنیادی بشر داده است. لیبرالیسم در کلاسیک ترین و بهترین حالتش هم نمی توانست و اصولا نمی خواست این سوالات را پاسخ دهد. چون چیزی جز ایدئولوژی بورژوازی که علیه مناسبات قدیم ارباب و رعیتی قیام کرده بودند، نبود. این نظریه چیزی جز نظریه بورژوازی که «کارگر آزاد» و خرید و فروش نیروی کار او شرط بقای سرمایه اش است، نبوده و نیست. عجیب نیست اگر استثمار را ازلی و ابدی بدانند. اگر نداند که بلافاصله موقعیت خودش بعنوان طبقه حاکم زیر سوال خواهد رفت.

به مجرد اینکه (بویژه با پیروزی انقلاب فرانسه) بورژوازی و ایده های لیبرالی اش پیروز شد و در همان اروپا مردم کمی از آن حال و هوای مه آلود «آزادی و برادری» بورژوازی علیه فئودالیسم بیرون آمدند، سوالات جدید در مورد بشر و رهایی او از شر استثمار شروع شد. قبل از مارکس نیز سوسیالیست هایی پیدا شدند که کوشش کردند که به سوالات فوق پاسخ دهند. ولی سرانجام مارکس بود که پاسخ همه جانبه ای به این سوالات داد چرا که مارکسیسم تئوری و جهان بینی همان کارگری است که سرش کلاه نمی رود که دنیا تا دنیا بوده همین بوده است! او هر روز دارد بردگی میکند و میخواهد از این وضع خلاص شود.

تشخیص مهم و بزرگی که مارکس داد این بود که این کارگر اگر بخواهد از شر استثمار رها شود، باید اصولا استثمار را ورناندازد. برده هنوز میتواند امیدوار باشد که روزی به یک «مرد آزاد» با یک تکه زمین تبدیل شود. دهقان میتواند امیدوار باشد که روزی از دست ارباب به شهر بگریزد و آنجا مثلا شاگرد مسگر بشود. اما پرولتاریا به کجا بگریزد؟ چطور از شر استثمار رها شود؟ اینکه خودش بورژوا بشود؟ خوب بالاخره باید کارگر داشته باشد.

از صفحه ۱۶

بشر استعمار گر!

آن کارگرها چطور از شر استعمار رها شوند؟ مارکس تشخیص داد که کارگر برای رهایی اش چاره ای جز خاتمه دادن به کل بساط استعمار و گذاشتن نقطه در پایان این جمله طولانی و وحشتناک ندارد.

کمونیسم مارکس از همینجا می آید. ندای او برای «الغاء مالکیت خصوصی بورژوازی» از همین جا برمیخیزد. دوست عزیز تو میتوانی بگویی اینها «ایده آلیستی» است، «خیالات» است، ولی لطف کنید مانیفست و کاپیتال و سایر آثار مارکس را با «علمی» ترین مقالات و رسالات هر کس دیگری مقایسه کنید تا ببینید صدبار واقع بینانه تر، ماتریالیستی تر، منصف تر، و انسانی تر، راجع به نفس بشر، جوامع انسانی، رابطه فرد و

جامعه، راه نجات بشریت از جنگ و استثمار و تبعیض و جهل و نابرابری و بی حقوقی، صحبت میکند. تا آنجا که به «بشر ذاتا استثمارگر و قدرت طلب» بر میگردد، مارکس چنین تئوری هایی را بدست نقد میکند و نشان میدهد که جوامع اجتماعی از قوانین عینی خاص خودشان پیروی میکنند. نشان میدهد که چگونه پیش شرط فرد، جامعه و روابط اجتماعی است. نشان میدهد که این شرایط اجتماعی است که فرد را شکل میدهد و فرد هم طبعاً به نوبه خود بر این شرایط تاثیر میگذارد. نشان میدهد که چطور در مقطعی از تکامل اجتماعی استثمار و مالکیت و دولت بوجود می آید. (به منشاء خانواده، مالکیت، دولت اثر انگلس رجوع کنید.) نشان میدهد که چگونه در زمان ما در عصر سرمایه داری تولید کاملاً اجتماعی شده است و حقیقتاً دیگر مالکیت خصوصی بهیچ وجه با تعالی و پیشرفت بشر همخوانی ندارد. (حال آنکه برای مثال مالکیت

یک توافق، یک سوال

مفصل شد. نکات دیگری در جوابیه شما هست که میتوان به آن پرداخت. از جمله تعبیر شما از «فرهنگ» که میتوان بحث مفصلی حول آن باز کرد. یا «وطنپرستی» که گویا یک خاصیت مثبت بشری است! (و فراموش میکنید که «وطنپرستان» معمولاً از چشم ملت های دیگر بدست موجودات خونخوار بودند. نادر شاه افشار از چشم هندی ها؟ چنگیز خان مغول از چشم ایرانی ها؟ و یا همین «وطنپرستان» معمولاً خودشان بزرگترین استثمارگران و سرکوبگران ملت خودی هستند. رضا شاد؟) و نکات دیگر. که امیدوارم در فرصتی به این مسائل هم بپردازیم. اینجا من

مقدر انسانها نیست، آنوقت بلافاصله باید در جستجوی تعریف مناسبات و جامعه ایی برایی که در آن استثمار و سرکوب و بی حقوقی و تبعیض نیست. آنوقت دیگر نمی توانی با تبلیغات هر روزه جهان بورژوازی که میکوشد القاء کند که «کمونیسم همین شوری بود و آنهم مرد» متوقف شوی. مجبوری به مسائل همین امروز، به نابرابری های همین امروز پاسخ بدهی. و اگر بخواهی دست به ریشه ببری ناگزیر باید در جامعه موجود دنبال آن نیرویی بگردی که استثمار نمی خواهد و رهایی میخواهد. نیرویی که حتی با اصلاح و بهبود این یا آن گوشه جامعه موجود حتی با وجود «دمکرات» ترین و «حرف شنو» ترین حاکمان بازم برده خواهد بود. آنوقت به همانجایی خواهی رسید که مارکس مدتها پیش رسیده بود. تلاش من این بود تا این مساله را در برابر شما قرار دهم.

دست را به گرمی میفشارم.

از صفحه ۱۶

لینک

جور دیگری نمیتوانستم بنویسم. راستی ببینید ایستا چه نوشته است: "نکته قابل ذکر در باره برنامه های امروز دانشگاه تهران برقراری آرامش در داخل دانشگاه در تمام ساعات بود و مجموع دانشگاه تهران روز دانشجو را با برگزاری برنامه های طیفهای مختلف دانشجویی و بدور از هرگونه درگیری و تنش و در کمال آرامش پشت سر گذاشت. بیرون از دانشگاه نیز نیروی انتظامی، نظم و آمودشد مردم و خودروها را به شکل منطقی برقرار کرده بود."

خنده دار است. خنده ای بغض آلود.

بی بی گل

طنز نوشته های رویا صدر
http://www.blogspot.com

یک هفته با وبلاگ یک اصلاح طلب محافظه کار لیبرال

شنبه: امروز جلسه داشتیم که چطور مردم را بکشانیم پای صندوقهای رای. یکی تربی آمد که با زور. هیچکس نخواند. از نظر روانشناسی اجتماعی چیزی که ملت به آن عادت کرده اند اصلاً خنده دار نیست. یکی گفت از زنها استفاده کنیم. چند نفر بی جنبه زیر زیرکی خندیدند ولی من که یک وبلاگ نویس

فروختهم افه آمدم و نخواندم. چون فهمیدم که بعد روشنفرانه قضیه توی نظرشان هست. نه آن حرفهایی که ما ایرانیها توی جمعها و مهمانیها زیر گوش هم می گویم. بالاخره قرار شد توی روزنامه تا میتوانیم به گونه ای بسیار سفت و سخت از حقوق زنان (از هر نوعش) دفاع کنیم. ... البته تا زمان انتخابات. دفاع از حقوق از رفته نوزادان و کودکان و جوانان و روشنفکران و روزنامه نگاران و زندانیها و هنرمندان مطرح شد. قرار شد تا انتخاب از همه احاد ملت همه روزه در ساعات اداری دفاع کنیم.... یکشنبه: امروز رفته سینما. فیلمی بود با نام نفس عمیق. بعد از روزها و ساعتها متمادی کار کردن سخت و شب نخوابی به خاطر فکر کردن به حقوق از دست رفته مردم و کارهای زمین مانده از قبیل سد دز و کارون، وقت کردم یک ساعت و نیمی خوب بخوابم. فقط گاه از سقلمه بغل دستم بیدار میشدم. زیرا که احتمالاً زیر سرم ناراحت بود و خرویف میکردم. در هر حال فیلم بسیار توپ و روشنفکرانه و عمیق هنرمندانه و دارای چند لایه بندی حسابشده در کلیه سکانسها و پلانها و برداشتهای اول و دوم و سوم و بلکه بیشتر بود. و با موسیقی متنش که یک دستگاه پراید در جاده همراه با آن بالا و پایین می رفت هارمونی توپی داشت که در خور تحسن است. یادم باشد یک مقاله در رابطه با زوایای کشف نشده این فیلم بنویسم و به تمام

جوانان عزیز سرزمینم که در انتخابات پیر شور شرکت خواهند کرد و به کاندیداهای ما رای خواهند داد تقدیم کنم.....
دوشنبه: سرم خیلی شلوع بود. جلسه پشت جلسه. طوری که حتی چند بار خواستم سرم را بخارام ولی فشار کار مانع شد. ... خصوصاً اینکه احمد شیرزاد هم در مجلس نطق پیش از دستور کرده است که هر دو جناح به طرز خفنی سنگین بوده است و حق هم دارند. مملکت ما الحمدلله آزاد است و هر حرفی را می شود در آن زد منتها در گوشه. چنانچه یک فیلسوف انگلیسی هم گفته است من جانم را میدهم تا تو حرفت را توی دلت بزنی.
سه شنبه: خانم عبادی طی چند ماه اخیر حدود دویست و سی و چهار سخنرانی و پنجاه و شش مصاحبه کرده اند و زیر بیست و چهارتا بیانیه را امضا کرده که هر کدام از دیگری توپ تر و کلاس بالاترند. حیف که ما عجلاتاً وقت نکرده ایم بخوانیم. فقط ظاهراً جایی گفته که قهر کردن دردی را دوا نمی کند. قرار شد این حرف را تیتیر کنیم و سه تا سرمقاله و چهارتا ته مقاله و دوازده تا مصاحبه در راستای قهر نکردن از صندوقهای رای در راستای گزینش جریان ما راجع بهش بنویسیم....
چهارشنبه: خیلی کار داشتم ولی باران می آمد. این بود که نشستیم به هندوانه خوردن و وبلاگ نوشتن....

کوشیدم بحث را عمداً حول یک نکته محوری محدود کنم. در همین رابطه مایلم بگویم با شما کاملاً موافقم که در کمونیسم تا کنونی، مثلاً شوری و چین، درست مثل هر جامعه سرمایه داری دیگر انسانها «کارگر و کارمند» بوده اند. اتفاقاً این نقد ما به این به اصطلاح جوامع کمونیستی است. شما البته میدانی که ما آنها را کمونیسم بورژوازی و نظام اجتماعی شان را سرمایه داری دولتی میدانیم. (به بحث های منصور حکمت در مورد شوری در سایت بنیاد حکمت رجوع کنید.) ولی اختلاف من و شما این است که شما همین سرمایه داری های دولتی را کمونیستی میدانید. و گوش تان هم بدهکار ما نیست که میگوییم نه اینها کمونیستی نبودند. چرا؟ چونکه با تئوری لیبرال دمکراتی انسانها اصولاً قدرت طلب و استثمارگرند، خوانایی دارد. اگر یک لحظه هم قبول کنی که استثمار ذاتی بشر نیست، قدرت و دولت و سرکوب و تحمیق و بی حقوقی، سرنوشت

مردم، ما، جوانان

http://mardomi.persianblog.com/X

کودک آزاری معضلی اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ آمارهای کودک آزاری روز به روز بالاتر رفته اند که این افزایش یک افزایش واقعی نیست و به خاطر آمارگیری بهتر و دقیق تر می باشد. طبق آمار منتشره در سال ۱۹۹۷ میلادی از سوی ایالات متحده بیش از یک میلیون کودک مورد آزار قرار گرفته اند و سالانه بیش از ۲۰۰۰ نفر به همین علت میمیرند. مطالعه در مورد خانواده های فرزندان ۳ تا ۱۸ ساله آمریکایی نشان می دهد ۱۴ درصد آنان به وسیله مشتم، لگد، گاز گرفتن و یا ضرب و شتم شدید مورد آزار قرار میگیرند.

در سطح جهان مطالعات وسیع و دامنه داری در مورد کودک آزاری صورت گرفته اما با وجود شیوع زیاد کودک آزاری در کشور ما تحقیقات در این زمینه بسیار ناچیز و محدود بوده است. فرهنگ حاکم بر بسیاری از خانواده های ایرانی که متأسفانه برای کودک اهمیت چندانی قائل نیستند و حقوق او را به رسمیت نمی شمارند و همچنین عدم وجود سازمان ها و نهادهای منسجم برای حمایت از کودکان و همینطور فقدان حمایت قانون از این قشر جامعه سبب شده تا کودکان در وضعیتی بحرانی و آسیب پذیر قرار بگیرند. این در حالی می باشد که بیمن جهانی حقوق کودکان که به امضای دولت ایران نیز رسیده است تمام کشورها را ملزم کرده تا اقدامات قانونی و آموزشی لازم را به منظور حمایت از کودکان در برابر آزارها و خشونت های جسمی و روحی از سوی والدین به عمل آورند.

جامعه از سویی مسئولیت مراقبت از کودکان را به مادر واگذار میکند و از سوی دیگر ابزار و قدرت لازم برای این مراقبت را در اختیار او قرار نمی دهد. در بسیاری از موارد کودک آزاری، مرد به زن خشونت می ورزد و زن برای تلافی کودک را آزار می دهد و این سیکل همینطور تکرار میشود. پس میتوانیم نتیجه بگیریم که: تلاش برای کاهش خشونت علیه زنان = مبارزه با کودک آزاری.

علاوه بر موارد ذکر شده پذیرش تنبیه بدنی به عنوان یک رفتار تربیتی در ایران و تلقی اینکه خشونت در خانه امری خصوصی است سبب شده تا شاهدان ماجرا و نهادهای حکومتی در برابر این موضوع مسئولیت نپذیرند و عوامل آزار کودک مورد تعقیب قانون قرار نگیرد. گسترش و حمایت از سازمانها و نهادهای مخصوص کودکان و همچنین تصویب قانون هایی برای مبارزه با تخطی گران می تواند تعداد کودک آزاران را به طرز قابل توجهی کاهش دهد.

مقابله با پدیده شوم کودک آزاری نیازمند مسئولیت پذیری تک تک ما می باشد. یادمان باشد کودک آزار دیده امروز مرد یا زن آزار رسان فرداست، پس مسئولیت خود را از یاد نبریم....

به نظر شما چه انگیزه ای باعث میشود که پدر و مادر، فرزندی را که خود به دنیا آورده و طعم زندگی را به او چشاندند اند چنین مورد ضرب و شتم قرار دهند و برای جلوگیری از کودک آزاری چه باید کرد؟ چه سازوکاری باید برای حمایت کودکان در برابر آزار والدین وجود داشته باشد؟

تلویزیون اترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر
به وقت تهران
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون اترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو اترناسیونال

رادیو اترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

طول موج جدید رادیو اترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

اختشاشگران میپرداخت امروز سعی میکرد دانشجویان را بپراکند. آنها با برخوردهای سنگین و غیر منطقی. مثلا اتفاقی که در آن لحظه برای خود من افتاد: صورتم را به خاطر عکاسان مشکوک درون و بیرون دانشگاه با پیراهن پوشانده بودم. وقتی که داشتم با حراستی ها بحث میکردم که حق ندارند به دانشجو بگویند کجای دانشگاه بایدست رئیس حراست با وقاحت تمام جلو آمد پوشش صورتم را برداشت و چشم در چشم گفت: اگر رنگی به کفشت نبود صورتت را نمیپوشاندی. این حرکت او با اعتراض شدید دانشجویان مواجه شد. اینها را میگویم حرکات عجیب حراست در این تجمع. به هر حال حراستی ها چشم در چشم مرا دیده اند. راستش دیگر حوصله و اعصاب کمیته انضباطی را ندارم. یک بار طعمش را چشیده ام ولی دیگر....

ولی چه میتوان کرد. به خودم اجازه نمیدهم که از ترس کمیته و اوین از ناملایمات جامعه ام بگذرم. به هر حال با مداخله حراست به سمت در شانزده آذر رفتیم و تجمع تا حدود ساعت ۶ ادامه داشت. حدود ده نفر از دوستانم در خیابان ادوارد براون بعد از پایان تجمع دستگیر شدند. خوشبختانه من از آن خیابان نگذشتم.... وای... بازهم دستگیریها شروع شد. بازهم گریه مادران و فضای ویران دانشگاه.

ولی چه کنیم؟ آخر ما دانشجوییم. نماینده یک ملت سکوب شده. آیا میتوانیم بنشینیم؟ سیصد گل سرخ یک گلش نصرانی \ ما را ز سر بریده میترسانی؟ \ گر ما ز سر بریده می ترسیدیم \ در مجلس عاشقان نمیرقصیدیم! ببخشید که کمی نوشته ام پراکنده بود. ذهنم آشفته است. صفحه ۱۵

«اختشاشات»، کی میترسد؟ کشف یک مارکسیست بزرگ، اصلاح طلب شدن بی بی و امید کوچولوها!

لینک

علی فرهنگ



این قسمتی از مطلب مفصل ken MacLeod، نویسنده و محقق چپ اسکاتلندی ست که در ویلاکش در مورد منصور حکمت نوشته است.

http://kenmacleod.blogspot.com
The Early Days of a Better Nation

کشف منصور حکمت

پری آنرسون در بررسی کتاب مبارزه طبقاتی در یونان باستان؛ نوشته دی سته کرویکس میگوید اولین چیز تعجب برانگیز در مورد این کتاب اسم نویسنده آن بوده انسان تصور میکرد گروه مارکسیستهای تاریخ دان انگلستان جمع محدودی از ستارگان درخشان باشده اسامی هیل، هابیسوم، تامسون و تامسون و غیره اسمی آشنائی هستند اما دی سته کرویکس دیگر کی بود؟

من اخیرا سورپرایز مشابهی داشتم که من فکر میکردم اسم همه مارکسیستهای بزرگ را میدانستم، اما اشتباه میکردم. نوشته ای در مورد یک جلسه عمومی که فردی از حزب کمونیست کارگری عراق سخنران آن بود مرا به سایت حزب مشابه آن حزب کمونیست کارگری ایران رهنمون شد و از آنجا به مجموعه آثار بنیانگذار آن منصور حکمت راه یافتم که مثل این میماند که ناگهان روزا لوکزامبورگ معاصر و ناشناخته ای را کشف کنی.

.... چیزهایی که من نوشته ام تنها خراش کوچکی به سطح نوشته های منصور حکمت است. تنوع و سطح تئوریک او خارق العاده است. اما همچنان که در مورد مارکس گفته شده است دانشمند بودن حتی نصف موجودیت او نبوده او قبل از هرچیزی یک انقلابی بوده با تمام اومانسیسم آشکارش او از مبارزه مسلحانه شانه خالی نکرده بطور قطع رژیمهای فاسدی که او بر علیه آنها مبارزه میکرد (اول رژیم شاه و بعد رژیم جمهوری اسلامی) با هر آنچه که در تاریخ خونین دنیا دیده شده اگر نه در بعد بلکه در عمق برابری کرده انده بخاطر مبارزه اش با این دو رژیم او شایسته احترام هر انسان با شرفی است که حتی کسانی که با اهداف او مخالفند میتوانند نکات زیادی در کارهای او ببینند که با آن موافق باشند و یا اینکه مباحث سودمندی با آنچه او نوشته پیش ببرند.

دست نوشته های یک دیوانه

http://www.divaneh63.persianblog.com

تجمع انجمن اسلامی با عنوان نیم قرن مبارزه با استبداد در ساعت یک بعد ازظهر امروز مقابل سر در دانشکده فنی آغاز

شد. بعد از پخش سرود یار دبستانی (سرود همیشگی جنبش دانشجویی) سخنرانان از دانشکده های مختلف به قرائت بیانه های اسلامی پرداختند و بعد قطعنامه تجمع خوانده شد و تجمع رسمی انجمن در ساعت ۱۴:۴۵ تمام شد. در حین برگزاری این تجمع تشکل بسیج برنامه سخنرانی چمران را در سالن شهید چمران فنی برگزار کرد با عنوان نیم قرن مبارزه با استعمار. جالب است که بسیجی ها خود را نماینده جنبش دانشجویی میدانند. بعد از اتمام تجمع رسمی با خواندن سرود یار دبستانی و ای ایران به سمت در اصلی دانشگاه حرکت کردیم. طبق معمول درها بسته شد و گارد ضد شورش نیرو انتظامی سر رسید و خیابان انقلاب برای جلوگیری از دید مردم با اتوبوس های خالی پر شد. چیزی که برایم جالب است ترس حکومت است از جنبش دانشجویی. کل خیابان شانزده آذر و انقلاب و اطراف دانشگاه پر بود از نیروهای انتظامی و البته انصار که در همه به قول خودشان اختشاشات حضور فعال دارند با باتوم هایشان.

امروز نسبت به سالهای گذشته شعارهای تندتری داده میشد. خوب طبیعی هم هست فشار آقدر بر مردم و دانشجو زیاد است که اگر ابایی بوده (یا بهتر بگویم ترسی) از شعار دادن ضد رهبری دیگر نیست. حدود یک ساعت بعد حراست دانشگاه وارد عمل شد. حضور پررنگ حراست در تجمع امروز قابل بررسی است. حراستی که فقط به شناسایی

تلفنهای تماس با دبیران سازمان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرهمند

هلند: مجیدپسنچی

آلمان: نیز احمد زاده

سوئد: حامد خلکی

کانادا: سامان احمدی

انگلاستان: فرشاد پویا

ترکیه: دبیتر تشکیلات خارج: مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی

مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

از این سایت ها دیدن کنید:

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org